

روزنامه جمهوری اسلامی،

سختگویی تاریک اندیشان و سرکوبگران

ارتجاعی روزنامه جمهوری اسلامی است که چگونه با حماقت تمام اعلامیه‌های سازمان و شاخه تبریز را در مورد عدم شرکت در راهپیمایی لیبرال‌ها و محکوم ساختن اقدامات حزب جمهوری خلق مسلمان و شرکا عمدا نادیده می‌گیرد. در مقاله "ملت قهرمان و مسلمان ایران" می‌نویسد:

"ولی باز می‌بینیم که دست تبهکار آمریکا از آستین چریکهای فدائی خلق این مزدوران اویسی و پالیزیان بیرون آمده و در مذاکرات صلح کردستان اخلال می‌کنند. مسلمانان مومن به انقلاب و امام را اعدام می‌کنند، پرچم لاله‌الله را آتش می‌زنند و سوری‌زنان و دختران مسلمان را پاره می‌کنند... و بنا در مقاله دیگری بنام "نگاتی درباره وقایع تبریز" می‌نویسد:

"آن جناح از چریکهای فدائی نیز که علیرغم دانه‌پاشی‌های کینوری هنوز به توده‌ها پناه نگرییده‌اند و در حکم توده‌نفتی‌های سال ۳۹-۳۲ هستند ممکن است با دلالی امثال کشاورز به جناح آمریکا یا اختلافی از هر دو ابرقدرت مانند رژیم شاه سابق و رژیم بعث عراق (کما مریکائی- روسی است) بیبوندند" شهادی، فریب، دروغ‌پردازی، تحریک، توطئه و جعل خبر و هر آن چیزی که شایسته روزنامه جمهوری اسلامی است در این کلمات موج می‌زند.

در یک مقاله "دست تبهکار آمریکا از آستین چریکهای فدائی خلق بیرون آمده"، در مقاله دیگری کشتار قارنا، بمباران خانه‌های مردم کردستان، جنایات پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی همه و همه برده‌پوشی می‌کند و تا آنجا که می‌تواند، موهن‌ترین اقدامات راه فدائیان خلق نسبت می‌دهد.

روزنامه جمهوری اسلامی از جمله نشریاتی است که پس از قیام شکوهمند بهمن ماه گذشته، بعنوان ارگان حزب جمهوری اسلامی، سر از دکه‌های روزنامه‌فروشی بدر آورد. سیاست این روزنامه، همانند سیاست حزب جمهوری اسلامی بر اساس مبارزه با انقلاب بیرون کمونیست و در راس آن سازمان ما تدوین شده است.

جعل اخبار، عوام‌فریبی، دروغ‌پردازی، ایجاد نفاق و دشمنی در صفوف نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست، تلاش مذبح‌خانه برای بدنام کردن انقلاب بیرون کمونیست و تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای قهرمان ایران از خدمات روزنامه جمهوری اسلامی در طول انتشار آن است.

روزنامه جمهوری اسلامی، تاریک اندیشی، قشری‌گری و واپس‌گراشی را همراه با سیاست‌های سرکوب خلقها و زحمتکشان ایران، توان تبلیغ می‌کند و از این راه نیز در خدمت منافع طبقه سرمایه‌دار ایران و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار می‌گیرد.

این روزنامه با تبلیغ جنبه‌های ارتجاعی حاکمیت در جهت تحمیل توده‌ها و تاریک‌اندیشی گام برمی‌دارد و به این منظور خواستهای ترقیخواهانه را مورد استهزاء و انتقاد قرار می‌دهد. عناد و دشمنی نسبت به آنچه که زحمتکشان میهنمان بخاطرش قیام کردند، یکی از شیوه‌های تبلیغاتی این روزنامه است.

سیاست توطئه و تحریک علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در این روزنامه دنبال می‌شود، خاطره روزنامه‌های آریامهری را زنده می‌کند و با همان کلمات، همان مفاهیم و همان ادبیات به‌مخدوش

ساختن چهره انقلاب بیرون کمونیست می‌پردازد. در شماره‌های اخیر روزنامه جمهوری اسلامی، تحریف حقایق مربوط به وقایع تبریز به‌گونه‌ای بوده است که خدمتگزاران روزنامه و گردانندگان آنرا به امپریالیسم و سرمایه‌داران لیبرال برای هر خواننده آگاه از اوضاع کنونی روشن می‌سازد، بی‌اطلاعی و جهالت سیاسی گردانندگان روزنامه آنچنان است که تنها استهزاء مردم را برمی‌انگیزد. از جمله در شماره ۲۶ آذرماه در رابطه با حوادث تبریز از قول حجت‌الاسلام موسوی می‌نویسد:

"چهار فدائی خلق و دو عضو سازمان پیکار توسط مردم دستگیر شدند." و فراموش کرده بود که در شماره چهارشنبه ۲۱ آذرماه نوشته است: "در رابطه با حوادث تبریز و عضو چریکهای فدائی خلق و حزب دمکرات دستگیر شدند." و باز در شماره دوشنبه ۱۹ آذرماه از قول همان حجت‌الاسلام می‌نویسد:

"اما رفرا ندیم تبریز با استقبال چشمگیر مردم روبرو شد و نقشه توطئه‌گران جامه عمل نپوشید، لذا دست به حيله دیگری زدند که تصرف رادیو-تلویزیون بود و جالب است که گروه‌هایی نظیر فدائیان خلق، پیکار، حزب دمکرات از آنان پشتیبانی کردند."

ما در مقاله دیگری توضیح خواهیم داد که چگونه حجت‌الاسلام موسوی برای پنهان ساختن چهره ضد مردمی آیت‌الله‌های طرفدار حزب جمهوری خلق مسلمان و به منظور حیثیت تراشی برای آنان به دروغ و تحریف حقایق می‌پردازد. در اینجا قصد ما بیشتر توضیح مواضع

آرایش نیروها در ...

طبقات و مترقی جلوه‌دادن جنبه‌های ارتجاعی قانون اساسی علیه مردم وارد مکره شد. "حزب توده" در عین حال از گاندیدها تقاضا کرد که به کمکش بشتابند و او را از سردرگمی ناشی از خودداری "آیه الله خمینی" از انتخابات رئیس جمهوری برهانند، "حزب توده" به گاندیدها توصیه کرد برای این منظور برنامه‌های خود را ارائه دهند تا ملاک قضاوت و انتخاب "حزب" قرار گیرد.

با این موضع‌گیری حزب توده ماهیت بورژوازی خود را آشکارتر ساخت، چه از نظر کمونیست‌ها "برنامه‌های احزاب (بورژوازی) غالباً فقط برای خام‌کردن مردم نوشته می‌شود." از این رو معتقدند "برای اینکه بتوان به ماهیت مبارزه‌جویی (بخوان مبارزه‌انتخاباتی کنونی) پی برد، نباید به گفتار باورداشت بلکه باید تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود. این بررسی نباید آنقدرها در پیرامون آن چیزی باشد که خود احزاب و (شخصیت‌ها) درباره خود می‌گویند بلکه باید در اطراف آن چیزی باشد که این احزاب بدان عمل می‌نمایند و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل می‌کنند و در اموری که پای منافع حیاتی طبقات مختلف جامعه یعنی ملاکین، سرمایه‌داران، دهقانان، کارگران و غیره به میان می‌آید، چگونه رفتار می‌نمایند."*

* و * - لنین. درباره احزاب سیاسی

حمله عناصر مرتجع و مزدور راه راهیمانی ضد امپریالیستی دانشجویان و دانش آموزان محکوم می‌کنیم

به دنبال راهیمانی ضد امپریالیستی از طرف دانشجویان و دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که در روز سه شنبه یازده دیماه برگزار شده بود، بار دیگر چهره عناصر ارتجاعی برای مردم آشکار شد، این راهیمانی که از دانشگاه تهران آغاز شده بود، پس از طی مسیر خیابان انقلاب، میدان انقلاب، خیابان کارگر، خیابان جمهوری، در مقابل مسجد سجاده مورد یورش وحشیانه عوامل وابسته به محافل سرمایه‌داران لیبرال و

ارتجاع قرار گرفت و در پی آن تعدادی از راهیمانیان مضروب شدند و راهیمانی خاتمه یافت. شدت یورش وحشیانه عناصر مرتجع و مزدور بگونه‌ای بود که تا ساعتی بعد نیز این درگیری‌ها تا خیابان‌های اطراف نیز کشانده شد.

ما تمامی این توطئه‌ها را محکوم کرده و از تمامی نیروهای مترقی و انقلابیون کمونیست می‌خواهیم که حین شرکت فعالانه در مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها، تمامی این توطئه‌ها را افشاء و محکوم کنند.

جهان مبنی بر حرق تعیین سرنوشته خود در حال فروریختن است. نظام بهره‌کشی و غارتی که بر طبقه سرمایه‌دار ایران که با هزاران رشته با امپریالیسم آمریکا پیوند دارد، متکی است.

بدون شک محاکمه گروگان‌های ارتقاء آگاهی مردم ما برای مقابله با امپریالیسم و شناخت عمیق‌تر از دشمنان خود نقش بسیار راهیمانی دارد. چنین محاکماتی بی‌تردید دست سرمایه‌داران لیبرال و دیگر دوستان و جاسوسان امریکارا که اینک در شورای انقلاب و دیگر مراکز قدرت جاخوش کرده‌اند، باز می‌کند.

بی‌دلیل نیست که علیرغم پشتیبانی وسیع و همه‌جانبه توده‌ها از اذمان افشاگری‌ها، انبوهی از اسناد خیانت دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا، به لطف شورای انقلاب از توده‌ها پنهان نگه داشته شده و از اذمان افشاگری‌ها مانع می‌شود.

سیاست‌های سازشکارانه شورای انقلاب، هدفی جز مانع‌از رشد آگاهی سیاسی توده‌ها و جلوگیری از گسترش دامنه مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای قهرمان ما ندارد و تنها هراس آنها از اراده مردم ما، که مصممند حاکمیت خود را مستقر سازند، به نمایش می‌گذارد.

چرا اعضای شورای انقلاب از محاکمه گروگان‌ها طفره می‌روند

سازش با آمریکا فیصله دادن "مسئله" از سوی این دسته بعمل می‌آید.

عوام‌فریبی است زیرا که مردم ما از همان آغاز، در کشان از محاکمه گروگان‌ها، نه فقط محاکمه تعدادی افرادی مزدور، بلکه محاکمه کشیدن سیاست‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بوده است و با توجه به نقش افشاگرانه‌ای که این محاکمات در بر ملا ساختن دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا دارد، برای این محاکمات تاکید دارند.

از سوی دیگر محاکمه جاسوسان امریکائی درد آگاه‌هایی که قاضی آن میلیون‌ها تن مردم قیام‌کننده میهن ما باشد مورد نظر بوده است. چه محاکمه این جاسوسان در پیشگاه خلقهای قهرمان ایران، بی‌انگیزه اعمال اراده مردم ما در سرنوشته سیاسی‌شان است و ضربه بزرگی بر اعتبار پوشالی امپریالیسم جهانی و مشخصاً امپریالیسم امریکاست. مردم ما با این محاکمات در حقیقت می‌خواهند نشان دهند که امپریالیسم به یک سیاست بلکه یک نظام بهره‌کشی و غارت است که در برابر اراده خلقهای ستدیده

به شورای انقلاب می‌روند، در ملاقاتی به مناسبت عید کریسمس با گروگان‌ها چنین اظهار می‌کنند: "گروگان‌ها در صورتی که خلافی انجام نداده باشند، فقط به عنوان شاهد در محاکمات شرکت خواهند کرد."

آیت‌الله خامنه‌ای عضو شورای انقلاب نیز در سخنرانی که روز سه شنبه ۱۱ دیماه از رادیو پخش شد، گروگان‌ها را افراد بدبخت و بیچاره‌ای توصیف کرد که "الست دست دولت آمریکا واقع شده‌اند، آنچه که از تمامی این مصاحبه‌ها برمی‌آید، فرار از زکانه مسئولین امروز محاکمه گروگان‌ها است. آنها با تبلیغات خود اینطور وانمود می‌کنند که گویا خواست مردم ما، محاکمه چند فرد و فیصله دادن قضایا با صدور چک حکم براءت یا محکومیت در دادگاه‌های در بسته شرعی است که آنگاه مقامات مسئول جری بالاتر در دستور خود قرار داده‌اند که عبارت باشد از محاکمه "سیاست دولت آمریکا" این تبلیغات از یکسو عوام‌فریبی است و از سوی دیگر برده‌پوشی نمایان سازشکارانه و آروغ‌دهنده جلوه‌دادن اقداماتی است که برای

صادق قطب‌زاده در مقام وزارت امور خارجه و عضو شورای انقلاب، به کمک سازشکارانی که اکثریت شورای انقلاب را تشکیل می‌دهند، طرحی ریخته‌اند که با تشکیل یک "هیئت منصفه بین‌المللی" محاکمه گروگان‌ها را به محاکمه "دولت آمریکا" تبدیل کنند و برای قبول شدن این طرح به توده‌های مردم با بوق و کرنا به تبلیغات عوام‌فریبانه پرداختند. مثلاً در رادیو-تلویزیون و روزنامه‌ها چنین وانمود می‌کنند که این گروگان‌ها آلت دست و افراد بیچاره‌ای نیستند و محاکمه آنها به این صورت کاری از پیش نمی‌برد؛ در جای دیگر مثلاً در مصاحبه‌های از شبکه خبری ای.بی.سی. پخش گردیده گفته شد:

"اگر تصمیمی درباره محاصره اقتصادی ایران گرفته شود، بی‌اقدامی در این زمینه صورت گیرد ما مسلماً فکر محاکمه عمومی امریکارا کنار خواهیم گذاشت و به محاکمه گروگان‌ها خواهیم پرداخت."

علاوه بر سخن برانگی‌های قطب‌زاده که مذاکرات سراسری با "آقا شاه" وزیر امور خارجه رژیم سرشیده ضیاالحق و "والدهام" در فرودگاه و دفاع از این نماینده امپریالیست‌ها، شانه کوششهای او در سازش با امریکاست. آیت‌الله بهشتی دبیر شورای انقلاب در

مصاحبه‌های با خبرنگاران داخلی و خارجی در این مورد چنین اظهار نظر می‌کند:

"وقتی بخواهیم یک سیاست رایبه محاکمه بگیریم، ممکن است ضرورت داشته باشد بعضی از عوامل اجرای آن سیاست هم حداقل به عنوان شاهد در محاکمه حضور یابند." و در مقابل این سؤال که:

"در چه شرایطی امکان دارد گروگان‌ها محاکمه نشوند؟" پاسخ می‌دهد که:

"شما باید به اصل موضوع توجه کنید، اصل موضوع محاکمه سیاست است."

دکتر باهنر، عضو دیگر شورای انقلاب در مصاحبه خود زیر کانه محاکمه گروگان‌ها را غلبی بی‌اهمیت قلمداد کرده و می‌گوید:

"هدف اصلی مسئله محاکمه نیست، اگر چنانچه در طریق هدفمان ضرورتی ایجاد کند، محاکمه هم طرح خواهد شد اما اگر چنانچه بتوانیم به هدفهایمان از راههای دیگر برسیم، راههای دیگر را تعقیب می‌کنیم."

آیت‌الله منتظری نیز که قبول خودشان گاه‌گاهی برای اظهار نظر



کارگران کارخانه بافکار بامبارزه خود مانع از اخراج دو کارگر مبارز شدند

طبقه سرمایه دار ایران که با هزاران رشته بافکار بامبارزه جهانی بسرکردگی امیرالیسم امریکایی وابسته است، برای حفظ نظام سرمایه داری با تمام قوا می کوشد تا از گسترش آگاهی طبقاتی در میان کارگران جلوگیری کند. آنها مانع تشکیل شوراهای واقعی کارگران می شوند و با انواع توطئه ها و دسیسه چینی ها کارگران را به جان یکدیگر می اندازند و کارگران مبارزی را که در راه تامین منافع طبقه خود و بالا بردن آگاهی کارگران مبارزه می کنند از کارخانه ها اخراج می کنند.

طبقه کارگر در مبارزه با سرمایه داری به تشکیلات و سازمان خاص خود نیاز دارد و کارگران آگاه همواره می کوشند تا با ارتقاء سطح آگاهی توده کارگران، صفوف آنها را هر چه بیشتر متشکل سازند و در مقابل زورگویی و بهره کشی سرمایه داران مبارزهای سخت و بی امان را برپا دارند. به همین دلیل است که سرمایه داران هیچگاه تاب تحمل کارگران آگاه و مبارزی را که از منافع کارگران دفاع می کنند، ندارند. خبری که یکی از هزاران نمونه ای است که هر روز در کارخانه های میهن ما اتفاق می افتد و حاکی از تلاش سرمایه داران برای اخراج اینگونه کارگران است.

چندی پیش چند نفر از عوامل مزدور کارفرمای کارخانه بافکار جلوی در ورودی کارخانه می ایستند تا مانع ورود دو کارگر قسمت تعمیرات به کارخانه شوند. آنها می گفتند "این دونفر علیه انقلاب اسلامی ما توطئه می کنند، آنها به نماینده ما در مجلس خبرگان توهین کرده اند و..." جریان از این قرار بود که یکی از این دو کارگر، در یکی از جلسات کارگری کارخانه، پرده از اعمال فریبکارانه تنی چند از اعضای "شورای فرمایشی" و هم جنبین "علی محمد عرب" این باصطلاح نماینده کارگران در "مجلس خبرگان" و نیز کارفرمای کارخانه برداشته بود. کارگر تعمیرات، در این جلسه نشان داده بود که چگونه عده ای در درون "شورا" ماموریت دارند که "شورا" را در خدمت منافع کارفرما در آورند. اکثریت کارگران حرفه ای او را تأیید کرده بودند و همین امر کارفرما و مزدوران او را هراسان می کند تا آنجا که تصمیم می گیرند بغول خود "شرد و کارگر تعمیرات را از سر خود بازکنند".

عوامل مزدور کارفرما که در عین حال عضو "انجمن اسلامی اتحادیه سازمان گسترش و نوسازی صنایع" نیز هستند، دست به اقدام می زنند اما با اعتراض کارگران قسمت تعمیرات روبرو

می شوند. کارگران تعمیرات بلافاصله با اعضای شورای فرمایشی تماس می گیرند و خواهان رفع ممنوعیت این دونفر میشوند. شورای فرمایشی "قول" میدهد هر چه سریع تر موضوع را رسیدگی نماید. اما از آنجا که شورا اقدامی برای حل مسئله نمی کند، کارگران تعمیرات دست به اعتصاب زده و به نحو مصمم تر و قاطع تری خواستار بازگرداندن همکاران خود می شوند. خبر اعتصاب کارگران تعمیرات در کارخانه می پیچد و کارگران قسمت های دیگر کارخانه نیز شهید به اعتصاب می کنند. کارگران در حالیکه اخراج دو همکار خود را محکوم می کردند، معتقد بودند: "چند تا وپاش که اصلا کار نمی کنند و فقط جاسوسی این و آن را می کنند به چه حقی به خود اجازه می دهند که از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری کنند؟" اعتصاب کارگران تعمیرات تا پایان شیفت ادامه یافت و کارگران شورای فرمایشی را مجبور می کنند که طی اطلاعیه ای بطور رسمی مسئله بازگشت همکاران خود را در دستور کار قرار دهد و رفع ممنوعیت ورود دو کارگر مبارز را اعلام دارد.

شورای کارگران کارخانه آجر ایران پرس، در راه کسب حقوق کارگران مبارزه میکنند

شورای انتخابی کارخانه آجر ایران پرس که از پشتیبانی تمامی کارگران کارخانه برخوردار است تا کنون توانسته است مبارزات کارگران را در جهت احقاق حقوق صنفی خود بدرستی هدایت کرده و به حقوق زیر دست یابد:

- ۱- دریافت سود ویژه معادل ۳ ماه حقوق بطور علی الحساب
- ۲- دریافت اضافه حقوق بهین ۵۰۱۰ تا ۷۵۰۰ ریال
- ۳- دریافت تعدیلات اضافه حقوق و اضافه کاری بر مبنای حقوق جدید
- ۴- دریافت وام بدون بهره
- ۵- دریافت سهمیه ای از آجر با شرایط آسان جهت خانه سازی و تعمیرات

در کارخانه چیت ری

کارگران برای گرفتن حقوق حقه خود مبارزه می کنند

سرمایه داران، کارگران را به پیر و جوان، سابقه دار و کم سابقه تقسیم می کنند. به عده ای از آنها مزایا می دهند و عده ای نمی دهند آنها را به فارس و ترک، شیعه و سنی و مسلمان و کمونیست تقسیم می کنند. در کارخانه چیت ری به عده ای از کارگران کم سابقه که عده آنها به ۲۰۰ نفر می رسد، با اینکه در دو شیفت صبح و عصر کار می کنند، حق نوبتکاری تعلق نمی گرفت. در تاریخ ۱۰ مهر ۵۸ عده ای از این کارگران به عنوان اعتراض به "شورای فرمایشی" کارخانه که از منافع کارفرما دفاع می کند، به کارگران، مراجعه می کنند. یکی از اعضای "شورای فرمایشی" در پاسخ این سؤال کارگران که: "چرا به ما حق نوبتکاری تعلق نمی گیرد؟" می گوید: "چون شما در شیفت شب کار نمی کنید بنابراین طبیعی است

که نوبتکاری نگیرید." یکی از کارگران در جواب به نماینده "شورای فرمایشی" گفته بود: "اگر در شیفت شب کار کنیم علاوه بر نوبتکاری باید حق شبکاری هم به ما بدهید. این مسئله ربطی به شبکاری ندارد." اعتراض یکپارچه و متحد کارگران نمایندگان "شورای فرمایشی" را وادار می کند که با این مسئله ظاهراً موافقت کنند. آنها از کارگران می خواهند که از سرپرست سالن ها لیست کسانی را که حق نوبتکاری نمی گیرند، جمع آوری کرده و به شورا بدهند تا آنها در این مورد اقدام کنند و به کارگران "قول" می دهند که تا تاریخ ۱۰ آذر ۵۸ حق نوبتکاری به آنها پرداخت خواهد شد. در تاریخ فوق همکاران می بینند که از حق نوبتکاری خبری نمی شود دوباره جمع شده

و به "شورای فرمایشی" مراجعه می کنند. کارگران متحداً خواستار رسیدگی به وضع خود می شوند. یکپارچگی کارگران توطئه های کارفرما را نقش بر آب کرده و سرانجام کارگران موفق می شوند کارفرما را وادار به قبول خواسته خود کنند و کارفرما طی اطلاعیه ای اعلام کرد که در تاریخ ۱۰ دی ۵۸ به همه کسانی که شیفت عوض می کردند و نوبتکاری نمی گرفتند، حق نوبتکاری داده خواهد شد. در تاریخ مذکور حق نوبتکاری آذرمه همراه با حقوق این ماه پرداخت می شود و لی از ماه هائی که قبلاً کارگران نوبتکاری نمی گرفتند (عقب افتاده نوبتکاری) به کارگران پرداخت نمی شود. کارگران تصمیم گرفته اند که متحداً اقدام کنند و عقب افتاده نوبتکاری را از حلقوم کارفرما بیرون بکشند.

گزارشی از مراسم سالروز شهادت زفیق کارگر، فدائی شهید حسن نوروزی

بعد عود کارگران پیشرو راه آهن و به منظور گرامی داشت سالروز شهادت رفیق کارگر فدائی شهید حسن نوروزی، مراسمی روز پنجشنبه بیستم دیماه در دانشگاه صنعتی برگزار شد. در ابتدای این مراسم که چند هزار نفر از کارگران، زحمتکشان و هواداران طبقه کارگر در آن شرکت داشتند، به مناسبت شهادت رفیق، یک دقیقه سکوت اعلام شد و آنگاه گوشه هائی از زندگی مبارزاتی رفیق خوانده شد که مورد توجه و استقبال شهید مردم قرار گرفت. در این مراسم یکی از کارگران درباره شرایط سخت کار در کارخانه

از مردم قهرمان سندج

پشتیبانی کنیم

یکبار دیگر در حوضه وادی و رویدادهای اخیر کردستان، چهره جنگ طلبان آشکار شد و ناتوانی و عدم تمایل هیئت ویژه دولت در شناخت حقایق مربوط به کردستان و هراس آن از صفوف بهم فشرده خلق کرد مصائبی تازه بیار آورد. آنچه که در سندج می گذرد، بیش از هر چیز نتیجه سیاست های نفاق افکنانه "جنگ طلبانسه" و کوتاه بینی های سیاسی نمایندگان دولت است. مردم کردستان با شرکت وسیع و همه جانبه در راهپیمائی ۱۶ دیماه که به منظور اعتراض به سیاست های هیئت ویژه دولت و دفاع از خواسته های مردم سندج صورت گرفت، بار دیگر اعلام کرده اند که خواهان برقراری "صلحی عادلانه" در کردستان هستند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و شاخه سازمان در کردستان بار دیگر بر موضع "صلح طلبانسه" خلق کرد تأکید کرده و اعلام میدارد: همانگونه که در اطلاعیه شماره ۸ هیئت نمایندگی خلق کرد به اطلاع عموم مردم مبارز ایران رسید، در نتیجه سیاست دفع الوقت و نفاق افکنانه هیئت ویژه دولت و عدم برخورد اصولی با خواسته های بحق خلق کرد و تحریکات مداوم عوامل جنگ افروز، در روزهای گذشته در نتیجه تیراندازی هائی که از جانب سپاه پاسداران در سندج صورت گرفت، چهار نفر شهید و هفت نفر مجروح شدند. مردم مبارز سندج که تاکنون بیشترین بارچنگ تحمیلی را بر دوش کشیده و قربانیان بسیاری داده اند بحق خواستار خروج عوامل اصلی درگیری های موجود از شهر یعنی سپاه پاسداران و مزدوران وابسته بدانها (جاشها) گشته اند. هیئت ویژه دولت علیرغم تعهدات قبلی خود دایر بر خروج پاسداران از کردستان نه تنها تاکنون هیچ اقدامی در این مورد نکرده اند بلکه در روزهای اخیر امرای جنایتکار ارتش با دادن اعلامیه های

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان تحصن کارگران حفاری و خدمات جنبی

قسمت آخر

کارگران سخن می گویند:

اتحاد نداریم...

راندنده واحد اعتقاد داشت که با تعیین رئیس جمهور بالاخره وضع مشخص می شود و می گفت که:

"بابا، کارگر حق خودشو نمیدونه و ما باید ۸ ساعت کار کنیم و ۲ ساعت هم برای آمدن و رفتن از خانه به سر کار در راهیم و دیگر فرصت نداریم که به سندیکا بریم تاجیژائی یاد بگیریم." و در آخر ایستگاه که مسافران پیاده شدند، می گفت:

"نماینده ما را به اسم رازانی، سه ماه است که گرفتارند و هرکار کردیم، نتوانستیم آزادش کنیم و تازه یک روز ما جلوی آیت الله منتظری را گرفتیم تا بالاخره نتوانستیم برای زن و بچه اش ملاقات هفته ای یک بار بگیریم." و می گفت:

"نماینده مان خیلی آدم روشن و خوبی بود به راحتی از پس شهردار و مدیرعامل وغیره برمی آید و از حق کارگران خوب دفاع می کرد. سه ماه پیش که ما اضافه حقوق می خواستیم، خواسته هایمان نصفش را دادند و بعد نماینده را بعنوان اخلالگر گرفتند." و بعد در جواب من که به او می گفتم "او بخاطر شما زندان رفته و از حق شما دفاع می کرد، شما حالا باید از او حمایت کنید"، گفت:

"بابا، اتحاد نداریم، تازه اگر یکروز هم اعتصاب کنیم به ما می گن اخلالگر و ضدانقلاب." و در آخر می گفت:

"به نماینده در زندان گفته اند تراز شرکت واحد استعفا بده و آن را اینجا بنویس تا ما از زندان آزادت کنیم. ولی نماینده قبول نکرده و می گفت که من ۱۶ یا ۱۷ ساله شرکت واحد استعفا نمیدهم." کارگر مزبور می گفت "الان وضعیتی است که هر نماینده ای که بخواهد از حقوق کارگر دفاع کند به او وصله اخلالگر و ضد انقلاب چسبانده و دستگیرش می کنند و در ضمن سعی می کنن بین کارگران دودستگی ببینازند."

سندیکای مستقل کارگران خیابان تهران و حومه:

آمریکا بداند، که مبارزات ما تا نابودی

تمامی وابستگی های امپریالیستی ادا خواهد داشت

باز هم از سلاح تهدید استفاده می کند و حالا که جاسوسان با اراده مردم و بدست دانشجویان مبارز پیروخط امام گرفتار آمده اند تهدید به محاصره اقتصادی و نظامی می کند. امریکاییها بدانند که از محاصره اقتصادی و نظامی نداریم و اگر به ایران حمله نظامی هم بکند، ایران راه گورستانش تبدیل خواهیم کرد.

امریکا چون دیده است خلق ایران مصمم به استرداد و محاکمه و اعدام شاه است او را زیر چتر حمایت خود گرفته تا وانمود کند که فریادهای مرگ بر امریکا فقط بخاطر شاه است. امریکا باید بداند که مبارزات ضد امپریالیستی ما تا نابودی امپریالیسم جهانی ادامه خواهد داشت.

ما از فضای تمام مدارک جاسوخانه امریکا که پسرده از چهره کثیف خود فروختگان بر میدارد، پشتیبانی می کنیم. محاکمه و اعدام انقلابی جاسوسان امریکائی خواست تمام کارگران است.

سندیکای کارگران سوری دوز و شخصی، دوز، پیراهن، عروسی، بیگانه، امسری، زنانه و برداشه خیاط، طی اطلاعیهای از محاکمه جاسوسان امریکائی پشتیبانی کرد و اعلام داشت:

"امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکائی است که همراه با جیپول و غارت ایران، سلطه اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی را بر ما تحمیل کرده و با گماردن نوکران خود چون شاه خاشن بر ایران و ایجاد ساواک و ارتش شاهمی خون دهها هزار هموطن ما را در زندانهای مخوف و خیابانها و میادین شهرهای ایران ریخته است. اکنون که خلقهای بیچاره ما نواسته اند پس از مبارزات پیگیر سالهای اخیر شاه و دار و دسته اش را سرنگون سازند و مبارزات مردم ما وارد مرحله نوین شوند امپریالیستی اش می شود. امریکا چون حلالد جهانی که جنگالش به خون میلیون ها نفر درجهان آلود است. با اینکه خلقهای ویتنام، آنگولا، کوبا، نیکاراگوئه و فلسطین پوزه اش را پخاک مالیده اند

مرکزی و بیرون کردن کارکنان صنعت نفت از این اداره، زمینیه را برای اجرای توطئههایی که ارتجاع و عوامل امپریالیسم در سر می پروراندند، فراهم سازند. ولی کارگران در برابر همه این نیرنگها و دسیسه ها، هوشیارانه و دلاورانه مقاومت کردند. شورای انقلاب و دولت مرکزی که بازم از گسترش مبارزه در میان نفتگران به وحشت افتاده بود گامی دیگر عقب نشستی و مهسودی را در راه هیئتی دوباره به اهواز فرستاد. هیئت با ورود به اهواز، از یک سو پیشنهاد شکستن تحصن را برای آغاز مذاکرات نمود و از سوی دیگر دست به توطئه های تفرقه افکنانه زد. کارگران از همان ابتدای ورود هیئت و بر اساس تجربیات خود، نسبت به هرگونه مذاکره با این هیئت بدبین بودند. بالاخره هیئت قبول کرد که کلیه کارگران را به استخدام شرکت ملی حفاری نفت ایران و یا شرکت ملی نفت ایران در آورد. پس از این قول، کانون شوراها قطعنامه ای صادر و در آن تاکید کرد که تحصن را با قبول قول هیئت مبنی بر استخدام کلیه کارگران خواهد شکست ولی کارگران همچنان به مبارزات ضد امپریالیستی خود تا رسیدن به کلیه خواستهای خود و دیگر زحمتکشان ایران، ادامه خواهند داد و برای استخدام کلیه کارگران تا اول دی ماه مهلت داد. با این شرط که کلیه حقوق دوران بیکاری کارگران تا آن زمان، به آنان پرداخت شود در غیر این صورت تحصن از روزی اول دی ماه دوباره آغاز خواهد شد به این ترتیب تحصن کارگران حفاری و خدمات جنبی پس از ۱۰ روز در تاریخ ۷ آذرماه پایان یافت و از همان روز مراحل مقدماتی استخدام آنان در شرکت ملی حفاری و شرکت ملی نفت آغاز شد.

با همه این احوال توطئه های مزدوران امپریالیسم همچنان ادامه دارد. مهسودی و همدستانش طرح بازنشسته کردن کارگران با سنین بیش از ۵۰ سال را مطرح کرده اند. عوامل ارتجاع در بخشهای مختلف سعی می کنند در کار استخدام جمعی کارگران اخلال کنند. مهدوی آشکارا با صدمت با کانون شوراها برحاسته است. همچنین هنگامی که روز یکشنبه ۲۵ آبان، کارگران برای دریافت دستمزد از مکان بیکاری خود در محل شرکت هالپریتون جمع شده بودند ضوچه شد که مهدوی دستمزد داده است که هیچگونه پولی به کارگران ناسن بش از ۵۰ سال داده شود. کارگران حشمیکن از این توطئه ضدکارگری مهدوی، او و همدستانش را کوشمالی سختی دادند و ...

بدنبال بی بردن به بی بودگی مذاکرات با هیئت اعزامی، کارگران حفاری و خدمات جنبی در تاریخ ۱۴ آبان ماه در اداره مرکزی صنعت نفت مناطق نفتخیز در اهواز اجتماع کرده و خواستهای خود را چنین مطرح کردند:

جلوگیری از خروج وساییل ...
تاسیس شرکت ملی حفاری نفت ایران، استخدام کارگران اخراجی در این شرکت و پرداختت سابق کار، حقوق عقب افتاده و دستمزد زمان بیکاری به کارگران تا تاسیس شرکت ملی حفاری. آنان ضمن درخواست پشتیبانی از نفتگران برای گرفتن پاسخ مثبت در اجرای خواسته هایمان، به دولت یک هفته مهلت دادند و تاکید کردند که در صورت وقت گذرانی و توطئه عوامل امپریالیسم، روز ۲۷ آبان ماه به تحصن نامحدود در اداره مرکزی خواهند نشست.

در این میان حجت الاسلام اشراقی که برای "رسیدگی به مسائل صنعت نفت جنوب" به اهواز آمده بود، در اجتماع کارگران در مقابل اداره مرکزی در تاریخ ۲۲ آبان ماه به آنان قول داد که اگر تا روز پنجشنبه ۲۴ آبان ماه، به خواستهای کارگران رسیدگی نشود، خود او نیز به تحصن آنان خواهد پیوست. با همه این قول و قرارها عکس العمل دولت و عوامل امپریالیسم و ارتجاع همچنان به وقت گذرانی و تفرقه افکنی در میان کارگران محدود می شد. بنا بر این کارگران از باعداد روز یکشنبه ۲۷ آبان ماه در اداره مرکزی صنعت نفت اهواز اجتماع کرده و دست به تحصن نامحدود زدند. آغاز تحصن کارگران حفاری همزمان با اعلامیه شورای انقلاب جمهوری اسلامی در تحریم هرگونه تحصن، راهپیمائی و تجمع اعتراضی و ردن پرچم ضدانقلاب به کارگران ولی این اعلامیه در کارگران حفاری که به خاطر حقوق پایمال شده خود و دیگر زحمتکشان بر علیه امپریالیسم مبارزه می کردند و دیگر ضد انقلاب را از انقلابی باز ساخته بودند هیچگونه تأثیری نداشت. از نوشته های پاریجهای که کارگران در همان روز نخست تحصن سه سر در اداره مرکزی آویختند یکی حاوول قول اشراقی در پیوستن به تحصن آنان بود. روز ۲۹ آبان، کارکنان شرکت حفاری سدکو، که در ارساط با ادامه عملیات حفاری و مدت قرار داد شرکتشان همور بیکار شده بودند، بطوریک با رجه به تحصن پیوستند. کیفی شاعرها که از سوی کارگران چه به صورت سینه و چه با فریادهای جمعی مطرح می شد هرروز بالا سر می رفت و نشانه های رشد آگاهی

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران



باشکرت در انتخابات ریاست جمهوری

صف نیروهای مترقی را تقویت و لیبرال ها را منفرد کنیم

خواهانی که برای برگرداندن وضعیتی پیشین با تمام نیرو و نبرنگ وارد میدان شده اند، توسط نمایندگان خود در مجلس خبرگان کوشیدند تا قانونی مطابق میل خویش فراهم آورند و هر چند که نتوانستند به مطلوب خود دست پیدا کنند، اما موفق شدند تا در پاراهای موارد حرف خود را به کرسی بنشانند.

بنابراین تعجب آور نیست اگر قانون آسانی برای سرمایه داران لیبرال (بخوان مشروطه خواه) یعنی برای دشمنانی که هم اکنون در سنگر مقابل خلق با تمام قوا به جنگ مشغولند، راههای صعود به قدرت باز گذاشته و طبقه کارگر، یعنی رزمنده ترین و آشتی ناپذیرترین دشمن امپریالیسم و سرمایه داری را از همه حقوق محروم کرده باشند. این قانون ماده به ماده در برابر انقلابی ترین نیروهای خلق مانع ایجاد کرده و در همان حال سنگر گرایشهای ارتجاعی را تقویت کرده است.

هنگام می دانند که ما به قانون اساسی جمهوری اسلامی رای ندادیم زیرا این قانون راه را بر استثمار و غارت خلق باز می گذاشت. ما قانون اساسی را ناثبت نکردیم زیرا این قانون در احراز پست ریاست جمهوری اسلامی برای مثال مدنی ها که هنوز هم داغ تنگ تاج شاه به پیشانی هلم باقی است، صلاحیت ریاست جمهوری را به رسمیت می شناسد ولی برای انقلابیون کمونیست که در مساردنیا و در تمام تاریخ معاصر همواره تنها مدافع راستین طبقه کارگر و دیگر مردم رحمتکش بوده اند، حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را سلب کرده است.

ما به قانون اساسی رای ندادیم زیرا این قانون بسم آری از آن خواستهای حداقلی را که مردم به خاطر به دست آوردن آنها قیام کردند، نادیده گرفته ولی در عوض راه را برای تحقق خواستهای طبقه سرمایه دار ایران که با هزاران رشته به امپریالیسم وابسته است، همچنان باز و هموار گذارده است.

گذشته از این آشکارترین تناقض قانون اساسی همین است که از یکسو اصل "ولایت فقیه" را مبنا قرار می دهد و از سوی دیگر سیستم حکومتی را جمهوری معرفی نموده و نوعی انتخابات را در این رابطه تجویز می نماید.

امروز بنا بر آنچه که پیش بینی می شد، تضادها و اختلافات بین دو جناح جمهوری اسلامی که نمایندگان طبقات متضادی در جامعه هستند، روز به روز عمیق تر می شود و مطابق آنچه که مشاهده می کنیم، جناح سرمایه داران لیبرال دست در دست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکایی خواهان حفظ و تحکیم همان نظام وابسته به امپریالیسم است و جناح خرده بورژوازی، همان جناحی که از مرکز جاسوسی امریکا نظرات خود را انتشار می دهد، خواهان ادامه مبارزه با امریکاست. به اعتقاد ما، مبارزه انتخاباتی

ریاست جمهوری خود کوششهای میدان نبرد است که میان خلق ما و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی آن یعنی طبقه سرمایه دار وابسته ایران در جریان است و مسلم است که انقلابیون کمونیست نمی توانند و نباید بدون توجه به وضعیت مبارزه طبقاتی، صفتندی

در حین اهداف فوق بوده و آنچه ملاک درستی یا نادرستی و پیروزی یا شکست ما در رابطه با اتحاد هر شیوه عملی است، همانا تاثیرات است که هر اقدام ما در جهت اهداف فوق برجای می گذارد. هم اکنون بر زمینه تبلیات توده ها به شرکت در انتخابات، هر طبقه و قشری (جز طبقه کارگر) نماینده های به

انحاد از نیروهای انقلابی را در یکال در برابر دیگر نیروها باید ماهیت و اهداف حرکت این نیروها را به توده ها بشناسانیم و یکوشیم تا در جمع نیروهای انقلابی و دزمت گیری این نیروها خط پروتاریا نقش تعیین کننده و رهبری کننده بیابد. ما نه با امید پیروزی کاندیدی مورد پشتیبانی خود بلکه با تاکید بر ایجاد صفی از نیروهای انقلابی را در یکال در برابر دیگر صفوف، با تاکید بر افشای کاندیداهای ضد کارگر با استفاده از سمت گیری این صف ترقی خواه و را در یکال با تاکید بر بالا بردن آگاهی توده در مورد مسئله انتخابات و اشکال ضروری مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و با تاکید بر ضرورت تامین رهبری طبقه کارگر از طریق هدایت عملی مبارزه توده ها در انتخابات شرکت

در عرصه انتخابات نیز همچون عرصه های دیگر سیاست، طبقه کارگر در پیشبرد مبارزه صدامپریالیستی-دمکراتیک باید رهنمون همه نیروهای انقلابی واقع گردد. مبارزه صدامپریالیستی، مبارزه ای طبقاتی است و از دیدگاه طبقه کارگر مبارزه ای قاطع علیه سرمایه داری است. هرگونه جدا شمردن امپریالیسم در شرایط کنونی میهن ما از سرمایه داری وابسته، به مثابه منحرف کردن مبارزه صدامپریالیستی بوده و سیاستی عملا سازشکارانه در مقابل امپریالیسم است. سازمان ما اعلام می دارد:

- ۱- امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکایی

همانگونه که راه اصلی و درست سرنگون کردن شاه و نظام شاهنشاهی انتخابات نبود، اکنون نیز این انتخابات ریاست جمهوری نیست که امپریالیسم امریکا را از ایران بیرون می کند.

نیروها و بدون توجه به وظایفی که در قبال جنبش خلق دارند، از شرکت در انتخابات خوب داری کنند. انگیزه کمونیست ها در اتخاذ هر شیوه عملی باید آگاهی دادن به توده، سازماندهی نیروها، تامین رهبری طبقه کارگر و پیشبرد مبارزه صدامپریالیستی-دمکراتیک تا پیروزی نهائی باشد. ما زهم اکنون اعلام می کنیم که اگرچه بخش عظیمی از توده ها، طبیعتا انتظار دارند که با انتخاب رئیس جمهور مورد اعتماد خود مانع بر بردارتن خون شهیدان و آمال و آرزوهای خلقهای مهران ما شوند، اما وقتی دشمن به عدم قاطعیت و ترسزدن روحانیت در برخورد با لیبرال ها متکی است و با تکیه بر پول و سلاح و امکانات مالی و مادی خود و با بهره گیری از ناآگاهی بخشی از توده ها به میدان می آید و پنهان و آشکار علیه خلقهای ما بسیج شده و برای شکست جنبش صدامپریالیستی

انگیزه کمونیست ها در اتخاذ هر شیوه عملی باید آگاهی دادن به توده ها، سازماندهی نیروها و تامین رهبری طبقه کارگر و پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک تا پیروزی نهائی باشد.

دمکراتیک میهن ما به هر جنابیتی دست می زند، با انتخاب یک رئیس جمهور کمتر کاری پیش می رود همانگونه که راه اصلی و درست سرنگون کردن شاه و نظام شاهنشاهی انتخابات نبود، اکنون نیز این انتخابات ریاست جمهوری نیست که امپریالیسم امریکا را از ایران بیرون می کند، این وحدت و یکپارچگی و آگاهی میلیون ها زحمتکش مبارز ایرانی است که سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را نابود می کند و ایران آزاد و دمکراتیک فردا را بنا می نهد. تنها عزم و اراده و آگاهی و رهبری طبقه کارگر و همراهی و همگامی و پشتیبانی دیگر اقشار خلق از مبارزات آن است که دشمن را در عرصه پیکارهای بی امید و قهرآمیز از پای درمی آورد. آنچه مبنای اصولی شیوه های عملی ما واقع می گردد، سمت گیری

دوخته طبقه سرمایه داران ایران در عین حال عرصه دیگری از مبارزه صدامپریالیستی و ضد سرمایه داری است. با توجه به چنین مسائلی است که وظایف کمونیست ها مشخص می گردد. هواداران طبقه کارگر در چنین موقعیتی نمی توانند این عرصه مبارزاتی را رها کرده و توده ها را به حال خود بگذارند. ما باید در حرکت توده ها شرکت کنیم. با تکیه بر زمینه های توده ای مبارزه راست دهم، برای سمت دادن مبارز، قاطعانه و عالیه به افتاء چهرها و نیروهای مدعی ریاست جمهوری بردازیم و اهداف واقعی آنها را به توده ها توضیح دهیم و در این راه همه نیروهای را در یکال و انقلابی و مترقی را به شرکت در انتخابات دعوت کنیم و

دانشجویان، طلاب و روحانیت تحت امپریالیست و همه خلقهای تحت ستم ایران از یک سو و امپریالیسم سرمایه داران و زمین داران وابسته به آن سوی دیگر جریان دارد.

۳- در شرایط کنونی سرمایه داران لیبرال (مشروطه خواه) پرچم دفاع از امپریالیسم را در

وحدت و یکپارچگی و آگاهی میلیون ها زحمتکش مبارز ایرانی است که سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را نابود می کند و ایران آزاد و دمکراتیک فردا را بنا می نهد.

دست دارند و می کوشند تا با فریب توده ها و بهره گیری از گرایش های ارتجاعی جاری در حاکمیت به توطئه های خود عنوان آزاد پخواهی بدهند لذا همچنانکه هدف عمده برانداختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری تمام وابسته است جهت اصلی مبارزه در این مقطع باید متوجه جنبه سرمایه داران لیبرال (مشروطه خواه) باشد که اکنون با حمایت بقایای انحصاری وابسته و امپریالیسم امریکا می کوشند تا هرچه زودتر قدرت را به دست گیرند و بطور همه جانبه به سرکوب توده ها بپردازند.

همه نیروهای انقلابی متحدان و با تمام قوا و پیش از آنکه این مزدوران امپریالیسم فرصت بهره گیری از امکانات خود را بیابند، باید آنها را برای همیشه درهم بکوبند و سلطه امپریالیسم را نابود سازند.

۴- نیروهای انقلابی باید گرایشهای ارتجاعی و قشری جاری در حاکمیت را افشاء نموده و با آن بطور پیگیر مبارزه کنند. لیکن عمده کردن این گرایش ها و تعمیم دادن آن به همه خرده بورژوازی نادرست بوده و تاثیری انحرافی بر روند درست جنبش برجای می گذارد.

۵- در مبارزه صدامپریالیستی-دمکراتیک میهن ما، هرگونه گرایشی که اتحاد با طبقه کارگر را نهد، گرایشی ارتجاعی بوده و در نهایت به اتحاد با سرمایه داری و سازش با امپریالیسم می انجامد. لذا با چنین گرایشهایی در نمایندگان دیگر نیروهای خلقی باید مبارزه نمود و همه نیروهای خلقی را در جهت همگامی و همکاری هرچه بیشتری برای برانداختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته هدایت نمود.

گسترده با همگامی و همکاری همه نیروهای که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

راه رشد غیر سرمایه داری و "حزب توده"

راه رشد غیر سرمایه داری حزب توده همان راه رشد سرمایه داری وابسته است

"دیالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی مارکسیسم در رشته تئوری، دشمنان او را وادار می کند که به لباس مارکسیست درآیند."
لنین - مقدرات تاریخی

یکی از تجدید نظرهای اساسی که توسط رومیونیست ها در اصول مسلم مارکسیسم - لنینیسم صورت گرفته و تاکنون ضربات بزرگی به جنبش کارگری جهانی وارد ساخته است، تحریف اصول لنینیسم در انقلاب دمکراتیک است که امروز تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" تبلیغ می شود. رومیونیست ها به ویژه پس از کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری سال ۱۹۵۷ با دستاویز کردن نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری" کوشیده اند مفهوم صف مستقل پرولتاریا را دگرگون جلوه داده و همزبانی پرولتاریا را در انقلاب های دمکراتیک نفی کند و بدینسان جنبش های کارگری و جنبش های دمکراتیک جهان را به شکست بکشانند. از این روست که شناخت نظرات رومیونیست ها در مورد "راه رشد غیر سرمایه داری" برای جنبش کمونیستی جهانی امروز از اهمیت زیادی برخوردار است.

بنیامین بنیان گذاران مارکسیسم - لنینیسم درباره "راه رشد غیر سرمایه داری" چه اشاراتی داشته اند

مسئله "راه رشد غیر سرمایه داری" مشابه حذف یک مرحله تاریخی است. اقتصاد در مسیر تاریخ یک جامعه خاص برای اولین بار بطور نظری توسط بنیان گذاران ارکسیسم اجمالا مورد بررسی قرار گرفت.

این تز برای نخستین بار با طرح مسئله امکان جهش از فرماسیونهای اولیه مشیتری به فتوالیسم بدون طی راه بردمداری، راهگشایی برای جنبش کارگران زمین شد. امکان حذف عدین فرمانیون خاص همانطور که از لابلای آثار مارکس و انگلس مشهود است، نافی قوانین عام مارکسیستی که عبارت از ضرورت طی مراحل تکامل تاریخی اقتصادی - اجتماعی از مرحله ای به مرحله بالاتر است، نیست. بلکه چنین حذفی مشابه یک واقعیت تاریخی در مرحله ای از نظریه تاریخی یک فرماسیون شکل و مفهوم مترقی خود را از دست داده است و امکان جانشینی نظام اجتماعی مترقی در آن مرحله تاریخی وجود ندارد. الزامی است.

بنیان گذاران مارکسیسم - لنینیسم هرگاه که به امکان گذار جوامع پیش از سرمایه داری به سرمایه لیسم بدون گذشتن از سرمایه داری اشاره کرده اند. قاطعانه به رهبری کمونیست ها تاکید کرده اند و در جوامعی که پرولتاریا حتی نخستین مرحله حیات خود را طی نکرده اند و در شرایطی که وجه تولید سرمایه داری غالب نیست، باز هم همزبانی پرولتاریا را در نظر داشته اند.

لنین در مقاله "تجدد چین طی بررسی سخنرانی عمده در چین و تمسخر سوسیالیسم چپترین این سوسیالیست" درباره همه آنها

می گوید: "اصولا هیچگونه سوسیالیسمی وجود ندارد...". او در مورد حزبی که سونیات سن در راس آن قرار دارد، چنین می گوید: "رهبر این حزب دکتر سونیات سن به خصوص به تنظیم نقشه شبکه راه آهن پهنابری مشغول است (برای اطلاع نارود نیکهای روسی: سونیات سن این اقدام را به خاطر آن انجام می دهد که چین سرنوشت سرمایه داری را در برزند) می بینیم که لنین چگونه سوسیالیسم تخیلی، دگرگونی های انقلابی را به باد استهزاء می گیرد و چگونه ماهیت بورژوازی عملکردهای اقتصادی آن را تحت نام های سوسیالیسم و دورزدن سرمایه داری افشاء می کند و نشان می دهد که حتی رادیکال ترین دمکراتهای انقلابی نیز نمی توانند "راه رشد غیر سرمایه داری" را رهبری کنند. در پایان مقاله لنین نتیجه درخشان خود را به این صورت بیان می دارد:

"آزادی چین را اتحاد دمکراسی دهقانی و بورژوازی لیبرال پیسه دست آورده است. آنها دهقانانی که حزب پرولتاریا رهبریشان نمی کند، خواهد توانست مواضع دگرگونی خود را علیه لیبرالهایی که فقط منتظر فرصت مناسب هستند تا به سمت راست بجهتند، حفظ کنند؟"

رهبری به دست کمونیست ها و پرولتاریا باشد این جوامع می توانند میان برزده و بدون گذشتن از مرحله سرمایه داری به سوسیالیسم برسند. لنین در گزارش کمیسیون مسایل ملی و مستعمراتی در کنگره دوم کمینترن چنین می گوید: "طرح مسئله به این شکل بود: آیا ما می توانیم این ادعا را صحیح بشماریم که مرحله سرمایه داری تکامل اقتصادی، برای آن ملتهای عقب افتاده که اکنون آزاد می شوند و در میان آنها اکنون پس از جنگ، جنبش در راه ترقی مشاهده می گردد اجتناب ناپذیر است؟ ما بایسن

رومیونیست ها با دستاویز کردن نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری" می کوشند مفهوم صف مستقل پرولتاریا را دگرگون جلوه داده و رهبری طبقه کارگر را در انقلاب های دمکراتیک نفی کنند.

پروش پاسخ منفی دادیم. لنین این سخنان را در برابر آن عقاید آکونومیست و واپسگرایانه ای اظهار می دارد که معتقد بودند جوامع فتوالیسی و پیش از سرمایه داری حتما باید از سرمایه داری بگذرند تا به سوسیالیسم برسند. در مورد تاکید رهبری در جوامع عقب افتاده و کاربرد تاکتیک های کمونیستی در این گزارش آمده است:

"کار عمده کمونیست های روس در مستعمرات که سابقا به تزار پیسم تعلق داشت در کشورهای عقب

برانگیخت. حال بینیم که مسئله رهبری پرولتاریا در کشورهای که روابط ماقبل سرمایه داری بر آن حاکم است و یا حتی مسئله تفکر مستقل سیاسی توده ها که برای رهائی کامل کشورهای تحت سلطه چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی و طی مراحل تکامل بدون گذار از سرمایه داری نقشی تعیین کننده دارد، چگونه تحریف و این نقش تاریخی پرولتری و ایدئولوژی مارکسیست - لنینیستی چگونه از جانب دشمنان مارکسیسم - لنینیسم خدشه دار می شود.

پیشیم اولیانفسکی که از مبتکران و پایه گذاران تحریف در نظریات لنین است در مورد "راه رشد غیر سرمایه داری" چه می گوید و تا چه حد در تحریف اصول مارکسیسم - لنینیسم پیش رفته است:

"راه رشد غیر سرمایه داری مرحله گذاری از رشد است که در جریان آن جنبه مؤتلف نیروهای اجتماعی ترقیخواه به تحولات دمکراتیک عمومی و دگرگونی اجتماعی تحقق می بخشد و این تحولات پایه های لازم را برای

خرده بورژوا می دانند. یکی از انحراف های اساسی دیگر رومیونیست ها با نظریات لنین آن است که رهبر بزرگ پرولتاریای جهان راه رشد غیر سرمایه داری را به رهبری کمونیست ها، برای جوامع فتوالی و پیش از سرمایه داری ارائه می داد و مشخصا این راه را برای تسریع تکامل جوامع عقب مانده طرح می کرد. اما رومیونیست ها راه رشد غیر سرمایه داری به رهبری خرده بورژوازی را برای جوامع سرمایه داری که صداهای پرولتاریا را صنعتی ندارد نیز تجویز می کنند که این خود تلاشی است برای متوقف ساختن تاریخ و جلوگیری از تکامل جوامع دشمنی با مارکسیسم - لنینیسم است. این تحریف بی شرمانه عقاید درخشان لنینی است. در میهن ما پرچمدار این عقاید رومیونیستی "حزب توده" است.

در نشریه تئوریک و سیاسی "به سوی حزب" وابسته به "حزب توده" مقاله ای تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" آمده است که در آن طی تشریح "مفهوم لینی" راه رشد غیر سرمایه داری بر کشورهای آسیایی و آفریقایی که به راه رشد نیر سرمایه داری وارد شده اند تاکید شده است.

این نشریه چنین می نویسد: "رهبری رشد غیر سرمایه داری این کشورها را نیروهای دموکراسی انقلابی طی برعهده دارند که در

یک رشته از مسایل اساسی به مواضع سوسیالیسم علمی نزدیک می شوند. در همین نشریه از قبول اولیانفسکی چنین آمده است:

"نظریه مارکسیستی این رشد (منظور رشد راه غیر سرمایه داری) بر آن است که نیروهای سیاسی کشورهای عقب مانده راه رشد غیر سرمایه داری را برگزیده اند به سوی سوسیالیسم سمت گیری می کنند... رهبری انجام دگرگونی های

غیر سرمایه داری را دموکرات های انقلابی ملی که معمولا دارای منشأ

خرده بورژوازی رادیکال هستند، به عهده دارند. آنها از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بطور کامل تبعیت نمی کنند...

حال باید گفت که این انقلابی دمکرات های ملی که دارای منشأ خرده بورژوازی رادیکال بوده و از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم کاملا تبعیت نمی کنند اگر سوسیالیسم هدف آنها است پس چه تفاوتی با پرولتاریا دارد؟ و اگر با ایدئولوژی خرده بورژوازی می خواهد "به سوی سوسیالیسم حرکت" کند پس ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم چه ارزشی دارد؟ و اگر انجام دگرگونی های دمکراتیک و تسریع به شیوه

سرمایه داری را رهبری روشنفکران

گسیخته ساد هسه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

بقیه از صفحه ۱

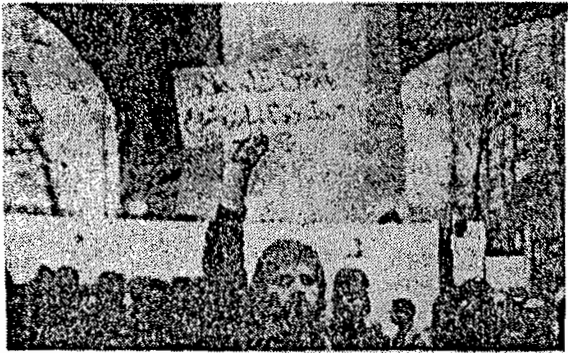
فرار شاه، تجلی اراده...

بیردازد و البته خلق ما فراموش نمی‌کند که چنین توصیه‌ای را مدت‌ها پیش مهدی بازرگان به امیرالیهام آمریکا کرده بود.

روز ۲۶ دی در تاریخ مبارزات خلق ما روزی فراموش ناشدنی است. سیل خروشان توده‌ها شاه را از ایران بیرون راند، مردم به‌کوچه و خیابان‌های میزبندی اعتنا به سازشکاران و تسلیم طلبانی که مردم را از دخالت ارتش می‌ترسانند مجسمه‌های خاندان پهلوی را بر زمین می‌اندازند و چنین کاری را حتی در زیر رگبار گلوله‌های ارتش ضد خلقی شاه انجام می‌دهند.

توده‌های میلیونی در خیابان‌ها و میادین با مشت‌های کرده کرده

سرکردگی امیرالیهام آمریکا حامی آن بود، دزخی‌هایی که یکی یکی مخوفترین شبکه‌های پلیسی تاریخ را در اختیار داشت، شاهنشاهی که در راس ارتش ضد خلقی خود را قادر مطلق می‌پنداشت و هرگز تصور نمی‌کرد که زحمتکشانش ایران بتوانند در برابر نیروی عظیم او با پداری کنند روز ۱۴ آبان برای نخستین بار در برابر نیروی لایزال خلق ما زانو زد. او در این روز در صفحه تلویزیون ظاهر شد و با فروتنی عجیبی که اصلا شایسته مقام سلطنت نبود و با مودبگری تمام کوشید خود را از کرده‌های خویش پشیمان جلوه دهد و به اصطلاح توبه کند.



شعار می‌دهند "بعد از شاه نوبت امریکاست". روز ۲۶ دی توده‌ها قدرت لایزال خود را به چشم دیدند، مبارزات توده‌ها بزرگترین جلد تاریخ را سرنگون ساخته بود "شاه رفت و چندی بعد قیام شکوهند و خونین خلقهای ایران یکبار دیگر داغ ننگی بر پیشانی سازشکاران، دوستان و جاسوسان امیرالیهام آمریکا برجای نهاد. بساط ننگین شاهنشاهی پهلوی برچیده شد، لیکن هنوز امیرالیهام و طبقه سرمایه‌داران ایران علی‌رغم ضرباتی که بر آن وارد آورده‌ایم، برجای باقیست و همچنان دست‌اندرکار است. سرمایه‌داران لبرال با بهره‌گیری از هراس روحانیت از انقلاب کومنیست به مراکز قدرت خزیدند و بهیتر انقلاب را سد کردند.

بعد از شاه نوبت امریکاست این شعار هنوز بر تارک مبارزات ضد امیرالیهامیست. دیکراتیک مردم ما می‌درخشد. توده‌های میلیونی شاه را بیرون کردند و در این راه طبقه کارگر نقش اصلی را برعهده داشت.

بیرون کردن امریکا تنها از عهده رهبری طبقه کارگر ایران ساخته‌است.

اینبار طبقه کارگر زحمتکش را زیر پرچم خود گرد خواهد آورد. مردم را متحد خواهد ساخت و ایران آزاد و دیکراتیک فردا را که در آن فقیر و گرسنگی و بیکاری و بی خانمانی و جهالت و اختناق رو به نابودی خواهد نهاد، برپا خواهد ساخت.

همراه با بزرگداشت مبارزات خلقهای قهرمان ایران خاطره شهدای خوزستان را که در روز ۲۷ دی به انتقام مبارزات دلیرانه‌شان به دست ارتش ضد خلقی به شهادت رسیدند، گرامی می‌داریم.

او گفت "من صدای انقلاب شما را شنیده‌ام و آن را می‌پذیرم او گفت که قول می‌دهم که دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نکنم." اما خلقهای قهرمان ما دیگر آگاه تر و مصمم تر از آن بودند که حتی لحظه‌ای هم از مبارزه برای سرنگونی سک زنجیری امیرالیهام آمریکا و نظام پوسیده شاهنشاهی دریغ کنند. توده‌ها فریاد برآوردند که "شاه توبه کرده توبه گریز مرگه". مردم فریب تبلیغات عوام‌فریبانه رادیو - تلویزیون را نخوردند، مردم قدرت ارتش ضد خلقی را به هیچ گرفتند، مردم به خوبی دریافتند که "شاهنشاه آریامهر چرا تابه این حد درمانده گشته و به التماس افتاده است.

مردم بی اعتنا به تبلیغات زهرآگین سرمایه‌داران لبرال، و جناح روحانیون میانه رو که می‌گفتند حال که شاه توبه کرده و قول اصلاحات داده است بپایند و دست از مبارزه بردارید و دست همکاری به رژیم بدهید، به مبارزات خونین خود ادامه دادند و سرانجام امیرالیهام آمریکا و سرمایه‌داری وابسته به آن رامجبور ساختند که دست از جنایت شاه بردارند.

امیرالیهام آمریکا که تا آخرین روزهای فرار شاه، از او حمایت می‌کرد، با رشد جنبش توده‌ای به هوی افتاد و برای جلوگیری از رشد جنبش و حفظ ارتش سران جنبه ملی را مناسب تر از شاه تشخیص داد. امیرالیهام آمریکا بختیار جنایتکار را به نخست‌وزیری برگزید و به شاه این سک وفادار خود اعلام داشت که دیگر قادر نیست از وی حمایت کند و بهتر است شاه برای حفظ تاج و تخت سلطنت و حفظ منافع خود و امیرالیهام آمریکا یک چند به استراحت

چه کسانی به حزب توده پیوسته اند؟

کوچکترین ارتباطی با سازمان ما و صرفاً به خاطر مطالعه چند داستان نقدی که بر یکی از این داستان‌ها نوشته بودند، به دست ساواک اسیر شدند. در همان ابتدا رهبرایین محفل دانش‌آموزی به خاطر... بی‌تجربگی و ترس زیاد، با پلیس همکاری کرد و آزاد شد. بقیه این دانش‌آموزان به خاطر صداقتی که از خود نشان دادند و فضای سالهای اختناق و دیکتاتوری محمد زاهدی که حتی مطالعه یک اعلامیه نیروهای انقلابی، محکومیت و زندان‌های طولی‌المدت به همراه داشت، در زندان باقی ماندند و در زیر فشارهای پلیس سیاسی در زندان نتوانستند آنگونه که باید از تجربیات انقلابی درس بگیرند. این بود که اغلب آنها در همان زندان توده‌ای شدند. یکی دو نفر بگرنیز پس از آزادی از زندان به خاطر روابط دوستانه و محفلی که با دیگر دوستان خود داشتند، به بقیه پیوستند و به قول خودشان خورشید بی‌فروغ را زیارت کردند.

از جمله مسائل دیگری که برای این دانش‌آموزان باعث ابهام گردیده‌است که خود را "گروه هواداران سازمان چریکهای فدائی

با تبلیغاتی که روزنامه "مردم پیرامون به اصطلاح پیوسته... گروهی از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به "خورشید تا بناک حزب توده" به راه انداخته و افتخاری که از این جهت نصیب "کمیته مرکزی" این "حزب طراز نوین طبقه کارگر" شده‌است و سرمستی و شعفی که به دیگر "توده‌ها" دست داده، لازم دانستیم درباره این "سالها نبرد طولانی" و این جوانان به اصطلاح "پرشوری" که به قول روزنامه "مردم از عشق خورشید مارکسیسم - لنینیسم" سوخته و طی سالها نبرد طولانی آبدیده شده، از آب و آتش گذشته و بلاخره به معبود خود رسیده‌اند "و در پس دامنه کوه پرافتخار حزب توده خورشید... مارکسیسم - لنینیسم بی‌فروغ "توده‌ها" را "زیارت کردند" و "راه طبقه کارگر"، "راه سوسیالیسم" را در پی گرفتند و پیوسته حزب توده یافتند، مختصری توضیح دهیم این گروه و به قول حزب توده "هواداران سابق" در حقیقت یک محفل دانش‌آموزی مرکب از ۷-۸ نفر بودند که در اوج اختناق و بگبر و ببندهای ساواک بدون

بقیه از صفحه ۶

راه رشد غیر سرمایه داری و...

راه رشد غیر سرمایه داری حزب توده همان راه رشد سرمایه داری وابسته است

می‌ریزند و در قطعنامه راهپیمایی ۸ دی ماه اعلام می‌داریم که این سیاست "آب به آسیاب سرمایه‌داران لبرال می‌ریزد و به توبه خود به سرمایه‌داری وابسته پاری می‌ریزند.

این تراژدی در کشورهای مصر، عراق و برخی از کشورهای دیگر تاکنون اتفاق افتاده و در کشورهای نظیر سوریه، سومالی و انگلیم نیز در حال تکوین است.

احزاب روبروینستی کشورهای فوق که ماهیتا همان "حزب توده" هستند با دنبال کردن روی از خرده بورژوازی و جلوگیری از تشکیل صف مستقل طبقه کارگر سبب شدند که خرده بورژوازی در غیاب صف مستقل طبقه کارگر رهبری بورژوازی وابسته را بپذیرد و با تحکیم سلطه امیرالیهام و سرمایه‌داری وابسته همه نیروهای که در انقلاب دیکراتیک متحد یکدیگرند سرکوب شوند.

اینک "حزب توده" می‌کوشد همان نقش را در میهن ما بازی کند و تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" به هر قیمتی شده از تشکیل صف مستقل پرولتاریا که ضامن پیروزی خلق‌های ما بر امیرالیهام و سرمایه‌داری وابسته به آن است، جلوگیری کند. این است آنچه را ما به نام "توده" علیه توده "عالمی" مردم و به نام "طبقه کارگر" علیه طبقه کارگر نامیده‌ایم.

امیرالیهام ندارد. خرده بورژوازی این متحد طبیعی طبقه کارگر در انقلاب دیکراتیک سرانجام باید همونی پرولتاریا را بپذیرد و تحت رهبری طبقه کارگر برای محو سلطه امیرالیهام و سرمایه‌داری وابسته به مبارزه ادامه دهد و البته در غیر این صورت همانگونه که لنین بر آن تاکید دارد شکست انقلاب دیکراتیک حتمی است.

اما خرده بورژوازی در چه شرایطی رهبری پرولتاریا را می‌پذیرد و به دنبال آن می‌رود؟ فقط در صورتی که صف مستقل پرولتاریا در جنبش تشکیل شده باشد، و اگر همانگونه که "توده‌ها" آرزو دارند چنین صفی تشکیل نشود، خرده بورژوازی همانگونه که بارها در تاریخ مبارزات خلق‌های زیر سلطه دیده‌ایم رهبری سرمایه‌داران لبرال را می‌پذیرد و بدینسان با تحکیم مجدد سلطه امیرالیهام و سرمایه‌داری وابسته جنبش پرولتاریا را شکست استراتژیک روبرو می‌شود، و بدینسان "راه رشد غیر سرمایه داری" حزب توده که همان راه رشد سرمایه‌داری وابسته است، تحقق می‌یابد. چنین شکستی هر چند که پیش از همه به زبان طبقه کارگر خواهد بود، اما برای خرده بورژوازی نیز مصیبت‌بار است. از همین رو است که ما می‌گوئیم "حزب توده" و امثال آن آب به آسیاب سرمایه‌داری وابسته و امیرالیهام

بگیر انقلابی توسط این رهبری عملی است پس دموکراسی بگیر انقلابی، پرولتاریا چیزی بپوش و بی معنی است که در لابلای آشکار کلاسیک قصه پردازی شده است.

پس چرا لنین برنامه‌های دموکرات‌های انقلابی چین را (که با ایده سوسیالیسم طراحی شده است) مشخصاً به این علت که رهبری طبقه کارگر و با ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم ناظر بر آن نیست، سوسیالیسم ذهنی خرد بورژوازی می‌نامد؟ پس چرا لنین تا به این حد به رهبری کومنیست‌ها وصف مستقل حتمی در آنجایی که پرولتاریا صنعتی وجود ندارد تاکید می‌کند؟

"حزب توده" صدیت را بنا مارکسیسم - لنینیسم و جنبش کارگری به جایی رسانده است که حتی در کشورهای دارای صدها هزار کارگر صنعتی است، مذبحانسه می‌کوشد با فریب طبقه کارگر و مخدوش کردن سیاست مستقل پرولتاریا با سیاست خرده بورژوازی و یکسان جلوه دادن آن از ایجاد صف مستقل پرولتاریا که بر مبنای سیاست مستقل پرولتاریا تشکیل می‌شود جلوگیری کند.

دشمنی حزب توده با جنبش کارگری زمانی بهتر درک می‌شود که عمیقاً به این واقعیت توجه کنیم که خرده بورژوازی به هیچ وجه توان تاریخی رهبری پرورمندانه انقلاب دیکراتیک را در عصر

فرهنگی با امیرالیهام جهانی بسوزدگ امیرالیهام آمریکا

یاسخ به پرسشها:

چرا ولایت فقیه بیانگر آرمانخواهی و افس گرایانه خرده بورژوازی است؟

پرسش: رفقا از وقتی که ضمیمه شماره ۳۵ بیرون آمد دو مسئله در رابطه با آن خیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. یکی کم و کیف آرمانخواهی خرده بورژوازیست و دیگری علت درهم شکستن "دکم" آن است.

پاسخ:

خرده بورژوازی مجموعه ای است از اقشار متعدد که در تقسیم کار اجتماعی موقعیتی مشابه و وظایفی متفاوت دارند.

خرده بورژوازی در درجه مالکین وسائل تولید قرار دارد در عین حال تحت سلطه و ستم مالکیت بزرگ و امپریالیسم است. خرده بورژوازی از یکسایه مالکیت خصوصی است. بزرگترین سرمایه داران هم خواهان افزایش ثروت شخصی است و هم با ثروت های کلان دشمنی دارد. او در مقابل با سرمایه داران بزرگ و امپریالیسم به پرولتاریا نزدیک می شود و از ترس پرولتاریا آسایش پناه بردن به سرمایه داران است. در پیکار با امپریالیسم و سرمایه داری بزرگ نقش مترقی ایفا می کند و در دفاع از مالکیت خصوصی و مقابل با پرولتاریا موضع ارتجاعی دارد. خرده بورژوازی تحت رهبری پرولتاریا انقلابی است. تحت رهبری بورژوازی ارتجاعی است و تحت رهبری خودش متزلزل، سازشکار، سرشار از دوگانگی و التقاطی است. او بنا بر اینکه متحد کدام طبقه باشد و علیه کدام مبارزه کند، می تواند سمت گیری های متفاوتی داشته باشد. لیکن در شرایط سرمایه داری وابسته و سلطه امپریالیسم خرده بورژوازی در مجموع سمت گیری ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته دارد. لذا در اساس متحد پرولتاریا در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته است.

سربیدکاری کوشد تا از این پس به پرسشهای شما در ستون تحت عنوان "پاسخ به پرسشها" جواب دهد. این ستون می تواند رابطه نزدیکتر و فعالتر میان "کار" و خوانندگان برقرار نموده و بنوبه خود در اعتلا آگاهی خوانندگان و توضیح مواضع سازمان نقش موثری ایفا نماید. بدیهی است که کثرت مطالب و محدودیت های نشریه مانع از آن است که ما هر هفته به همه سئوالات در این ستون پاسخ دهیم. لذا با تاکید بر کیفیت می گوئیم تا از میان مجموع سئوالات یک یا چندتا را که بیشتر مورد تاکید قرار گرفته و در عین حال جنبه عمومی نیز دارد، انتخاب کنیم و به آنها پاسخ بدهیم. از آنجا که هدف ما ایجاد رابطه فعال و دو جانبه می باشد، لذا این ستون بطور یک جانبه به پاسخهای نشریه اختصاص ندارد، بلکه می گوئیم تا نظریات رفقا را نیز در حد امکان منعکس نماییم. برای این اساس در هر شماره ضمن اینکه به یک یا چند سوال پاسخ می دهیم، از میان سئوالات طرح شده یک یا چندتا را انتخاب کرده و در آخر ستون درج می نماییم. رفقا می توانند به سئوالات طرح شده (با در نظر گرفتن ظرفیت ستون مربوطه) پاسخ داده و پاسخهای خود را نیز برای ما بفرستند. ما از میان پاسخهای رسیده، چنانکه پاسخی درست و قابل درج باشد، آنرا در همین ستون چاپ می کنیم. چنانچه نشریه "کار" در مورد پاسخهای رسیده و قابل چاپ نظری داشته باشد، آنهم در پائین ستون برای اطلاع خوانندگان ذکر می شود.

خرده بورژوازی لزوما و حتما آن سمت گیری واقعی و ضروری را منعکس نمی کند. سایرین نباید هر حرکت سیاسی خرده بورژوازی را حرکت تغییر ماهیت مبارزاتی خرده بورژوازی قرار داد، بلکه بالعکس باید در پرتو درک وضعت خود با سمت گیری واقعی خرده بورژوازی، سرمایه های بزرگ است. خرده بورژوازی در حین حواستهای فوق و دیگر خواستهای خود مایل به تحریک سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است. او تا حدی می تواند درک کند که چه چیزهایی را برای سود خود باید از میان بردارد اما نمی تواند سیستم نوین

خرده بورژوازی تحت رهبری پرولتاریا انقلابی است. تحت رهبری بورژوازی ارتجاعی است و تحت رهبری خودش متزلزل، سازشکار سرشار از دوگانگی و التقاطی است.

و کیف سیاست های جاری خرده بورژوازی را ارزیابی نمود و موفقیت یا شکست آنها را بررسی کرد. در عین حال نباید فراموش کرد که تعدد اشکال مبارزه و سیاست های خرده بورژوازی منعکس می گردد و بنابراین، اینکه کدام قشر پرچمدار مبارزه این نیروها باشد، تفاوت هایی در کم و کیف پیشبرد مبارزه آن پدید می آید.

جنش توده ای ایران تحت رهبری خرده بورژوازی بود. رهبری خرده بورژوازی در این جنبش به دست روحانیت بود. روحانیت بطور خاص بر خرده بورژوازی سنتی (تولید و توزیع خرد) متکی بود و این بخش از خرده بورژوازی را نمایندگی می کرد. خرده بورژوازی سنتی ضد امپریالیست و ضد انحصار و سرمایه بزرگ است. او می خواهد تا وضع راهگانه ای اصلاح کند که برای تولید و توزیع خرد فضای حیاتی و شرایط مساعدی فراهم گردد. او می خواهد سرمایه خرد را پناه سرمایه های دولتی و یا قدرت سیاسی از تعرض سرمایه های بزرگ مصون دارد. در این میان امپریالیسم دشمن اصلی اوست و هدف واقعی مبارزه او سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری اقتصادی سیاسی

لذا با درخوا و سرکردان میماند و سران مدینه فاصله درمی آوری مدینه فاصله تجسم آرمانخواهی خرده بورژوازی است و دیاری است موهوم که در آن عبیت معلوم ذهنیت و فواین عینی مطیع تعالیات ذهنی می گردند. مدینه فاصله بر مشور اخلاقی استوار است که همراه رعایت حد و حدود دعوت می کند و از آنجا که این حد و حدود هیچ عینیتی استوار نیستند، لزوما "اخلاق" و "تقوا" یعنی احترام به حد و حدود مقرر شده و رعایت آنها مورد تاکید قرار می گیرد. و در سرحه منشور مدینه اسلام می گرد که روال شهر آرمای از آنها آغاز می شود که تقوا و اخلاق است گردند.

میستمی که توسط خرده بورژوازی ارائه می شود و یا چکیده مدینه فاصله مورد نظر او، سه دو گونه شکل می گیرد. یکی با تاکید بر دوران طلائی گذشته و دیگری با تاکید بر دوران کدائی آینده. در نوع اول خرده بورژوازی در جستجوی مدینه فاصله خود به اعماق قرون وسطی سفر می کند و از هر دیار غنیتمندی بر می گیرد و با مصالح و پاسبین روزهای فتودالیم که هنوز سرمایه بزرگ راه کسب و کار بر او بسته بود شهر را بنامی می کند و در این روند فرهنگ و سنت آن دوره را وسیله ای جهت پیشبرد کار قرار می دهد.

خرده بورژوازی سنتی ما بر همین سیاق به توضیح جامعه عدل می پردازد. و بر بی عدالتی های ناشی از سلطه امپریالیسم و استقرار نظام سرمایه داری وابسته به آن می تازد. بدینگونه خرده بورژوازی برای نجات خود چشم به گذشته می دوزد و مدینه فاصله خود را از اعماق قرون وسطی منعکس می سازد. و اما نوع دوم مدینه فاصله خرده بورژوازی که از بازگشت وضع قدیم مایوس می شود، می کوشد تا به آینده امید ببندد. به همین علت مدینه خود را بصورتی مجازی در آنسوی نظام سرمایه داری بنا می کند و سوسیالیسم تخیلی و خرد بورژوازی را در مفهوم جامعه بی طبقه توحیدی در نظر به نمایش می گذارد.

بدینگونه آرمانخواهی خرده بورژوازی در قالب مدینه های فاصله، مجسم می شود، بنا بر اینکه بر دوران کلاسی گذشته یادوره کدائی آینده متکی باشد، بیانگر آرمانخواهی گذشته گرا یا آینده گرای اوست. ولایت فقیه منشوران مدینه فاصله ای است که بر واپس گیری خرده بورژوازی تکیه دارد و با مصالح دوران فتودالیم رو بهیم سوار شده است. ولایت فقیه تصویب مجازی آرزوهای خرده بورژوازی سنتی را در اعماق قرون وسطی ترسیم می کند. در برابر آن جامعه بی طبقه توحیدی تجسم این مدینه در آن سوی بورژوازی و در آینده های گنگ و مهالود است.

هزاران نفر از مردم مبارز گیلان در راهپیمایی ضد امپریالیستی خود شعار می دادند:

خلفها می رزمند، سازشکاران می لرزند

به دعوت سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران - شاخه گیلان هزاران نفر از مردم مبارز این منطقه به منظور افشای بیشتر سرمایه داران لیبرال و درهم شکستن توطئه های امپریالیستی این عناصر و مزدوران انحصارات وابسته، به راهپیمایی پرداختند. غریو پرشکوه هزاران نفر در آسمان شهر چنین طنین می انداخت:

"خلفها می رزمند، سازشکاران می لرزند" سیل عظیم جمعیت تظاهر کننده از دبیرستان آزادگان آغاز به راهپیمایی کردند. آنان در حالیکه شعارهایی در رابطه با گسترش مبارزه ضد امپریالیستی، محکوم کردن عناصر سازشکار و افشای سرمایه داران لیبرال این همدستان واقعی امپریالیسم آمریکا و نیز شعارهایی به مناسبت سالروز انقلاب فلسطین و حمایت از صلح دمکراتیک در کردستان و محکوم کردن جنگ افروزی در کردستان می دادند.

سرانجام جمعیت تظاهر کننده به خیابان سردار جنگل رسیدند. در این خیابان قطعنامه راهپیمایی قرائت گردید.

بعضی از شعارهای راهپیمایان به شرح زیر بود:

"شعار فداایی استقلال، کار، مسکن، آزادی، زحمتکش ایران نبرد با آمریکا تا قاطع وابستگی"

در قسمتی از قطعنامه این راهپیمایی آمده است:

"خلق قهرمان ایران و مردم مبارز گیلان زمانی که خلق ما جانبازان سینه های خود را در مقابل گلوله های آتشین خصم سرب کرده بود، زمانی که بازوان پرتیوان کارگران، چرخ تولید سرمایه داری را از حرکت باز داشته بود، زمانی که دهقانان به یاری زحمتکش شهر شتافته و رژیم خونخوار شاه را مستاصل کرده بودند، زمانی که پیشه وران و کسبه، دانشجویان و دانش آموزان، معلمان و کارمندان با خروش خود خیابانها را به لاسرزه در آورده بودند، زمانی که پیشروان جنبش خلق ما با تمام وجود شکنجه ددمنشانه رژیم را تحمل می کردند و پاسدار میراثهای ارزشمند مبارزات خلق بودند، سرمایه داران لیبرال، رذیلان در پی آن بودند که بر موج جنبش شگوه مند خلق سوار شده و آنرا در خدمت معامله با رژیم فرار دهند."

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکش ایران برقرار شود

بدعوت ستاد مرکزی شوراهاى ترکمن صحرا و کانون فرهنگى سیاسى خلق ترکمن زحمتکشان ترکمن، بلوچ و زابلی، در راهپیمائى...

بقیه از صفحه ۱۲

کشور به سیروی بوده ها، زمین ها به روستائیان واگذار گردیده و اداره آن به دست شوراهاى مردم مى سپرده شود.

مرگ بر فرصت طلبان و سازشکاران ناپدید توطئه هاى زمین داران بزرگ و غاصبین علیه زحمتکشان روستاها مستحکم باد پیوند خلیقهای سراسر ایران پرتوان باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک کارگران، دهقانان و زحمتکشان

ستاد مرکزی شوراهاى ترکمن صحرا
۵۸/۱۰/۱۶

بندر ترکمن - روز شنبه ۱۵ دیماه از طرف کانون فرهنگى و سیاسى خلق ترکمن - بندر ترکمن راهپیمائى جهت پشتیبانى از ادامۀ افشاکرى هاى عناصر وابسته به امپریالیسم آمریکا و همچنین محکوم کردن غاصبین و زمین داران بزرگ در منطقه ترکمن صحرا انجام پذیرفت.

در این راهپیمائى که هزاران نفر از زحمتکشان شهر و روستا شرکت نموده بودند، د. سائس و توطئه هاى سرمایه داران لیبرال محکوم گردید. در پایان این راهپیمائى قطعنامه کانون فرهنگى و سیاسى خلق ترکمن - بندر ترکمن قرائت گردید.

در طی راهپیمائى راهپیمایان شعارهاى زیر را تکرار مى کردند:

"افشای امپریکائی باید ادامه یابد."
"نه سازش نه تسلیم نپسرد با امریکائی"
"سازشکار نابود است، انقلاب پیروز است."
"صلح در کردستان به نفع زحمتکشان ایجاد باید گردد"

آق قلا - روز پنجشنبه ۱۳ دیماه از طرف کانون فرهنگى و سیاسى خلق ترکمن - آق قلا، اجتماعى جهت افشای عناصر سازشکار و سرمایه دارى وابسته بر پا گردید. در این گردهمائى هزاران نفر از زحمتکشان شهر و روستا، کسبه و دانش آموزان شرکت داشتند.

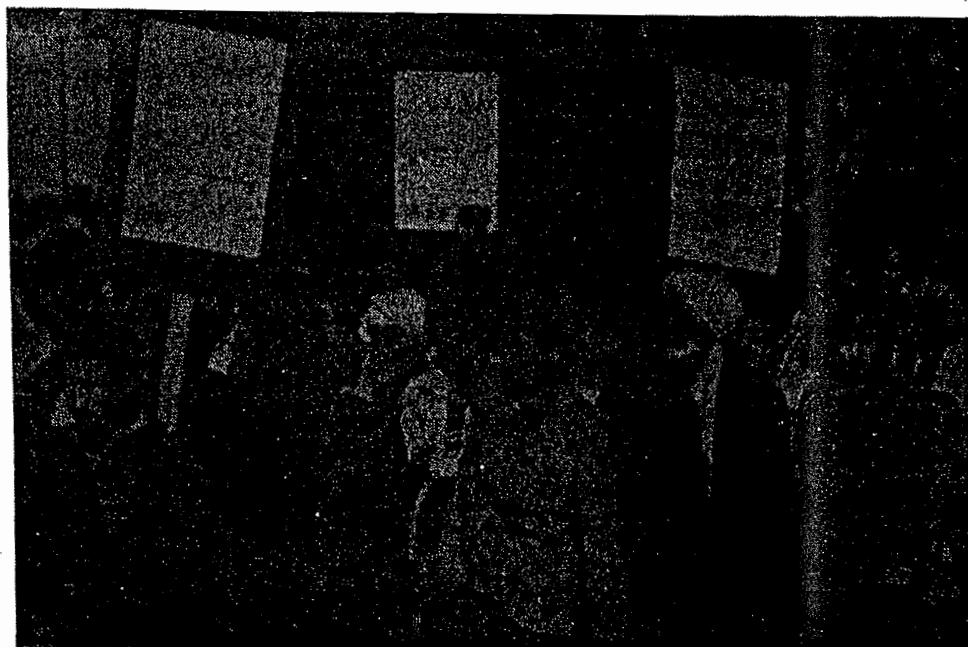
گردهمائى در ساعت ۱۰ صبح با شعارهاى "خلق ما پیروز است، امریکا نابود است"، "زحمتکش پیروز است، سازشکار نابود است"، آغاز گردید و در طی آن سخنرانى هاى درجهت افشای امپریالیسم و جنایات آن همچنین چگونگی جنایتها و دسائیس سرمایه داران وابسته و ضرورت ادامه افشاکرى علیه آنها همچنین جنایات غاصبین و زمین داران بزرگ در منطقه انجام پذیرفت.

در طی این اجتماع زحمتکشان شعارهاى زیر را تکرار مى کردند:

"ایران را گورستان امریکائی کنیم"
"ترکمن صحراى خود مختار بنفع زحمتکشان ایجاد باید گردد"



ستم ملی و طبقاتى و شناسائى حق علیه ها در تعیین سرنوشت خویش و ایجاد فضای دمکراتیک برای اتحاد و یکپارچگی همه خلقهای ایران جهت مبارزه با یکدیگر و همه حاکمیت امپریالیسم جهانی است.



"مستحکم باد پیوند زحمتکشان زابلی، بلوچ و ترکمن"

امریکا هستیم. خلق مبارز ترکمن در کنار همه خلقهای تحت ستم ایران برای کوتاه کردن دست امپریالیسم جنایتکار و تمام عناصر وابسته به آن و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان همانگونه که تاکنون علیه غم همه مشکلات و مصائبی که حاکمیت سر راه مبارزه پیکرش علیه غاصبین و زمین داران بزرگ که پایگاه

لیبرال و امپریالیسم به بهترین نحوی تا مین کرد. ما شرکت کنندگان در راهپیمائى یکشنبه ۱۶ دیماه - موارد زیر را اعلام می داریم:

۱- ما خواهان ادامه هر چه گسترده افشای سرمایه داران لیبرال این خائنین، به انقلاب و جاسوسان امپریالیسم بوده و هرگونه کوشش و تلاش مدبوحانه برای جلوگیری از افشای حقایق را تلاشی در جهت منافع امپریالیسم و خلاف منافع کارگران، دهقانان و زحمتکشان، و ضد انقلابی می دانیم.

۲- ما کلیه اقدامات سرمایه داران لیبرال را که تاکنون با خریدن به درون حاکمیت به عناوین مختلف مبارزات کارگران، دهقانان و زحمتکشان کشور را به انحسار رسانیده و جهت تا مین مقاصد پلست امپریالیستی خویش با دسیسه و توطئه و بر زمین ارنجاع، سرکوب نموده ها را دستور کار خویش فرار داده اند، محکوم می کنیم.

۳- ما دسائس و توطئه های محافظ و عناصر وابسته به سرمایه داران لیبرال را که در پناه خواست بحق و دمکراتیک خلقهای ایران با تظاهر دروغین به آزادخواهی و پشتیبانی از آنان و برای خدمت به امپریالیسم و منحرف کردن مبارزات ضد امپریالیستی بوده ها در شرایط حساس کمونیسمی در ایجاد شکاف و تفرقه در صفوف متحد خلقها

زحمتکشان شهر و روستا و مردان مبارز شهرکند و سیرسپهرهای اطراف بودند، با شعارهاى ضد امپریالیستی - دمکراتیک که به زبانهای ترکمنى و فارسى بود، سیر راهپیمائى را به لرزه در آورده بودید. بعضى از شعارها چنین بود:

"زمین داران نابود است، زحمتکشان پیروز است"
"کرد و بلوچ و ترکمن - ترک و عرب متحدان علیه امپریالیسم"
"پرخروش، پرتوان علیه امپریالیسم"
یا آلرس، یا اولرس، آحرر خود مختار بولرس (یا می گیریم، یا می میریم) عاقبت خود مختار می شویم)

این راهپیمائى در ساعت یک بعد از ظهر در مقابل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا با قرائت قطعنامه خاتمه یافت و زحمتکشان در حالیکه شعاری دادند:

"درد بر بزرگ، متحدکارگر" گروه گروه به روستاهای خود بازگشتند. در بخشهایی از این قطعنامه آمده است:

"خلق قهرمان ایران! مردم مبارز ترکمن صحرا! پس از گذشت ده ماه از انقلاب علیه غم ادامه مبارزات کارگران، دهقانان و زحمتکشان، حاکمیت به ویژه دولت به اصطلاح انقلابی بازرگان بدون کوچکترین توجهی به منافع و مصالح توده ها و به آنچه که زحمتکشان برای آن ناپای جان به مبارزه برخاستند، کوشش همه جانبه در سرکوب نمودن این مبارزات به عمل آورده و به صورت مختلف از مبارزات توده ها برای دستیابی به حقوق واقفیشان جلوگیری کردند. مبارزات پیگیر کارگران به دلیل ادامه فشار سرمایه داران وابسته کماکان ادامه یافت و چه دولت که اداره کارخانجات فراریان را به عهده گرفت و چه سرمایه داران، بصورت گذشته و با روابط گذشته در کارخانجات به استثمار کارگران پرداختند، بازرگان، عناصر سر و ابادی امپریالیسم که در حاکمیت جای گرفته اند، به روش های گوناگون به تقویت سرمایه داران مبادرت ورزیدند و به بهانه بهبود وضعیت اقتصادی کشور برای ادامه استثمار کارگران و مداوم وابستگی به امپریالیسم رهنمائی نمودند.

مبارزات پیکر دهقانان تحت ستم کشورمان، برای رفع ستم سالهای متعادی و برای رهائی از اجحافات زمین داران بزرگ و غاصبین که در بیشتر نقاط مملکت به ترکنازی مشغولند، همواره مورد سرکوب و یورش حاکمیت قرار گرفت و عملاً حاکمیت در کنار سرمایه داران و زمین داران بزرگ به حمایت از آنان پرداخته و توده های زحمتکش شهر و روستا و نیروهای انقلابی حامی کارگران و زحمتکشان را ضد انقلاب و خرابکاران می داند، تا بدینسان به آرام سازی و تخفیف و محدود کردن حرکات انقلابی کارگران و دهقانان و زحمتکشان دست یافته و نتیجه اینکه منافع سرمایه داران

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

بقیه از صفحه ۱

به مناسبت سالگرد مرگ لنین لنین آموزگار کیپر پرولتاریا در قلب زحمتکشان جهان ...

روزها به شدت ذهن لنین را بخود مشغول کرده بود، مسئله ملیت‌ها بود و اینکه چقدر "رفقا انترناسیونالیسم را درک کرده‌اند" در یادداشت ۳۱ دسامبر ۱۹۲۲ می‌نویسد:

"... ضرورت ناسیونالیسم ملت ستمگر و ناسیونالیسم ملت ستمدیده را، ناسیونالیسم ملت بزرگ و ناسیونالیسم ملت کوچک را تشخیص دهیم. در مورد ناسیونالیسم دوم می‌توان گفت که همواره در تجربه تاریخی، ناسیونال‌های ملت بزرگ در فشارهای بیشتر مقرر بوده‌اند... کسی که این را درک نکرده است براستی همچنان با دیدگاه خرد بورژوازی باقی مانده و از این رو نمی‌تواند هرآن به سوی پرولتاریا درنگند.

چه چیز برای پرولتاریا اهمیت دارد؟ برای پرولتاریا نه تنها مهم بلکه بسیار ضروری است که حداقل اعتماد دیگر ملیتها به مبارزه طبقاتی پرولتاریا تامین گردد. برای اینکار چه چیز ضروری است؟ برای اینکار تنها برابری ظاهری بسنده نیست. برای اینکار باید در هر صورت با رفتار یا گذشت‌های خود در مورد دیگر ملیتها، آن‌ها بی‌اعتمادی، آن بدگمانی و آن آزردگی‌هایی را که در گذشته تاریخی، حکومت ملت "عظمت طلب" پدید آورده است، جبران کند... هیچ چیز چون بی‌عدالتی ملی، رشد و تحکیم همبستگی پرولتاریا را باز نمیدارد... مصالح بنیادی همبستگی پرولتاریا و در نتیجه مصالح مبارزه طبقاتی پرولتاریا از ما می‌خواهد که هیچگاه روشی ظاهری نسبت به مسئله ملی نداشته باشیم و همواره تفاوت حتمی را در مورد ملت ستمدیده و در مورد ملت ستمگر، در نظر داشته باشیم."

« مصالح بنیادی همبستگی پرولتاریا و در نتیجه مصالح مبارزه طبقاتی پرولتاریا از ما می‌خواهد که هیچگاه روشی ظاهری نسبت به مسئله ملی نداشته باشیم و همواره تفاوت حتمی را در مورد پرولتاریای ملت ستمدیده و در مورد ملت ستمگر، در نظر داشته باشیم.

سرانجام ولادیمیر لنین درگذشت. مردی که بقول رفیق کارگر دیمیتری پاولوف، چون حقیقت ساده بود و حتی بدیده دشمنان بورژوازی "بزرگ، غیر قابل وصول و سهمگین" بود.

استالین درباره او گفت: "براستی که مرگ در برابر مردانی چون لنین حقیر می‌نماید." "هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می‌کرد به ما وصیت کرد که به اصول بین‌المللی کمونیسم وفادار باشیم. سوگند یاد می‌کنیم به تو رفیق لنین که ما از جان خود دریغ نخواهیم داشت تا اینکه اتحاد زحمتکشان همه جهان یعنی بین‌الملل کمونیسم را مستحکم سازیم و بسط دهیم."



هنگامی که یکی از اعضای گارد سفید... در مورد بازی آنها علیه روسیه شوروی به انشعاب حزب ما چشم امید دوخته بود، ذیحقی بوده است... "باز هم برای استواری" و جلوگیری از خطر انشعاب گوشزد می‌کند: "کشاندن بسیاری از کارگران به کمیته مرکزی به کارگران در بهبود دستگاه ما که بسیار بد است - یاری خواهد کرد. این دستگاه در واقع مرد ریگی است که از رژیم پیشین به ما رسیده است... ما در سال دولتی طراز نوین پدید آورده‌ایم که در آن کارگران در پیشاپیش دهقانان، رویاروی

رفته‌رفته حال لنین رو به بهبود نهاد و به او اجازه داده شد هر روز ۳۰-۴۰ دقیقه به کار ادامه دهد. او که سخت بیمار بود، روشنی اندیشه، نیروی شگفت‌آور اراده و خوشبینی خود را همچنان نگاه داشته بود. تا ۹ مارس که دومین حمله به او دست داد به کار جسمی می‌پرداخت و یادداشت‌هایش را دیکته می‌کرد و برای دو روز در کنگره حزب کمونیست آماده می‌شد. در آخرین یادداشت‌های لنین آنچه به چشم می‌خورد، نگرانی بزرگ او است برای آینده حزب که ۲۵ سال از زندگی پربارش صرف ساختن آن شده بود. نگرانی برای انقلابی که ۳۷ سال مداوم برای به ثمر رسیدنش مبارزه کرده بود. نگران شخصیت‌هایی بود که در موضع رهبری قرار گرفته بودند و او آنان را با همه نقاط ضعف و قدرتشان و نیک و بدشان می‌شناخت. شاید بهتر از هر کس می‌دانست که هیچ‌یک از آنان چون او از مجموعه ویژگی‌های یک رهبر انقلابی برخوردار نیستند.

لنین نگران رشد خصلت‌های بوروکراتیک در دستگاه‌های دولتی بود و راه چاره آن را در شرکت جستن هر چه بیشتر کارگران در این دستگاه می‌جست.

او در نامه به کنگره می‌نویسد: "درباره افزایش شمار اعضای کمیته مرکزی باید بگویم که به پندار من چنین تدبیری هم برای ما لازم است. بردن اعتبار کمیته مرکزی هم برای کار جدی درباره دستگاه ما و هم برای پیشگیری از آنکه برخوردهای بخش‌های کوچکی از کمیته مرکزی نتواند اهمیتی بسیار بزرگ برای همه سرنوشت حزب داشته باشد، ضروری است.

فکر می‌کنم حزب ما این حق را دارد که از طبقه کارگر ۵۰-۱۰۰ عضو در کمیته مرکزی بخواهد... چنین اصلاحی براستواری حزب ما بسیار خواهد افزود و مبارزه حزب ما را در میان دولت‌ها و دشمنان هستاند، آسان‌تر خواهد کرد... و اینهمه... تدبیرهایی است علیه انشعاب... زیرا بدیهی است

روشنفکران؟ چیزی بدی نیست. نه، به روشنفکران بگوئید بسوی ما بیایند... این ماهستیم که کار بزرگ و پر زحمت برپا داشتن خلق را به عهده گرفته و آغاز کرده‌ایم و حقایق زندگی را به جهان می‌گوئیم و طریق خلاصی از اسارت و بندگی و فقر و پستی را تعلیم می‌دهیم.

در این موقع خندید. و بدون اینکه کینه‌ای در دل داشته باشد، گفت: "برای این است که روشنفکران این تیر را به من زدند." در پی همین حادثه بود که بیماری لنین آغاز شد. در ۲۶ مه ۱۹۲۲ نخستین حمله بیماری به او دست داد. در ۱۶ دسامبر وضع

لنین نگران رشد خصلت‌های بوروکراتیک در دستگاه‌های دولتی بود و راه چاره آن را در شرکت جستن هر چه بیشتر کارگران در این دستگاه می‌جست.

تند رستی‌اش بحرانی تر شد. دست راست و پای راستش از حرکت باز ماند. او به خطر بیماریش به خوبی آگاه بود و یاد رک اینک که شاید پس از چند روز دیگر یکسره از کار بازماند، بر آن شد یادداشت‌هایی را دیکته کند و در آنها اندیشه و دیدگاه‌هایی را که برای تحکیم مانی سوسیالیسم در روسیه و در باره حزب و تحکیم آن و پیرامون آینده جنبش انقلابی جهان "بسیار بر اهمیت" می‌دانست، بازگوید.

در ۲۳ دسامبر لنین از پزشکان خواست تا به او اجازه دهند تنها ۵ دقیقه مطلبی را به تدوین دیکته کند... پس آن

کمیته مرکزی حزب، هزاران هزار، درخواست عضویت از طرف کارگران غیر حزبی دریافت می‌داشت. بیش از دویست و چهل هزار تن کارگر، در اندک مدتی، داخل صفوف حزب بلشویک شدند. این دعوت لنین به حزب بود. مگر لنین نگفته بود: "تنها در سایه اینکه حزب بیدار و مواظب بود، و انضباط مؤکدی داشت... به دنبال شعاری که از طرف کمیته مرکزی داده شده بود، دهها، صدها، هزارها و بالاخره میلیون‌ها، مانند تنی واحد می‌رفتند و فقط به سبب اینکه قربانی‌های بی‌نظیری داده شده بود... با وجود لشکرکشی‌های دوباره، سه باره، چهار باره امپریالیست‌های آنتانت و امپریالیست‌های همه‌جهان، توانستیم پیروز گردیم."

مگر لنین نتوانسته بود: "رفقای کارگر به یاد داشته باشید که انقلاب در معرض خطر بزرگ است. در خاطر تان باشد که تنها شما می‌توانید انقلاب را نجات دهید و بس. چیزی که مخصوص برای ما لازم است دهها هزار کارگر برگزیده، پیشرو، فدakar نسبت به سوسیالیسم است که از آنها بر نمی‌آید به روش و دزدی تن در دهند و قادرند بر ضد کولاک‌ها، محترکین، غارتگران، رشوه‌خواران و کارشکنان نیروی آنتنتی ایجاد کنند."

اکنون دوباره لنین چه پاسخ مناسبی دریافت می‌داشت. سال‌های آخر عمر لنین آمیزه‌ای از کار و بیماری، تحمل و سختکوشی بود.

در سال ۱۹۱۸ حرکت خائنان برای قتلش انجام شد که اگر چه تا کام ماند، او را به سختی مجروح کرد و سال‌هایی از بیماری را در پی داشت.

ماکسیم گورکی در این باره می‌نویسد:

"... وقتی به دیدنش رفتم هنوز دستش را نمی‌توانست درست حرکت دهد و گردنش را که گلوله سوراخ کرده بود، با دشواری تکان می‌داد. در پاسخ انزجاری که از این سو، قصد ابراز داشتیم با کمال بی‌میلی گوئی از چیزی که دیگر خسته‌اش کرده است، سخن می‌گوید گفت: "زد و خورد است، چه باید کرد. هر کسی آنطوری که می‌تواند عمل می‌کند." "دقیق‌های چند نگذشت که لنین با حرارت و خشم گفت، "آنکه با ما نیست بر ماست. مردمی که از جریان تاریخ کنار بوده و مستقل زندگی کنند، وجود ندارند. هیچکس به ایشان نیاز ندارد."

آنگاه با گورکی در باره رابطه کارگران و روشنفکران سخن می‌گوید:

"... به توده روس باید یک چیز ساده، چیزی که دردسترس عقلش باشند نشان داد. شوراها و کمونیسم ساده است. اتحاد کارگران و

ما خواهان قطع کامل وابستگی اقتصادی سیاسی نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکاهستیم

گرامی باد یاد رفقای شهید ★★ ★★

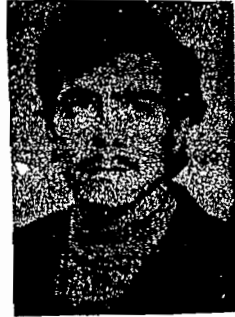
گرامی باد یاد رفقای شهید بهمن روحی آهنگران فتح الله کریمی یوسف زرکاری مرتضی حاج شفیعیها

یوفدائی شهید

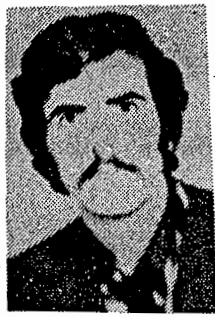
یوسف زرکاری

رفیق یوسف زرکاری، در دی ماه ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. نه ساله بود که پدرش در گذشت و مجبور شد برای تأمین مخارج خانواده از همان سالهای کودکی به کارگری بپردازد. کار در کارخانه با نخستین آموزشهای انقلابی برای رفیق همراه بود. رفیق زرکاری نیز از کادرهای اولیه سازمان بود و از همان آغاز در سازمان، فعالیت های انقلابی خود را آغاز کرد.

رفیق زرکاری در شهریور ماه ۱۳۵۰ به وسیله سازمان منفور امنیت دستگیر شد و با هوشیاری توانست اسرار فعالیت های سازمانی و انقلابی خود را از دشمن پوشیده نگاهدارد. رفیق



فدائی شهید رفیق یوسف زرکاری



فدائی شهید رفیق فتح الله کریمی

به یک سال زندان محکوم گردید. پس از آزادی با پیگیری و پشتکار بسیار توانست با سازمان خود ارتباط بگیرد و به فعالیت های انقلابی در درون سازمان ادامه دهد. از رفیق زرکاری، اثری به نام "خاطرات یک چریک در زندان" بقیه در صفحه ۱۱

سالگرد انقلاب پیروزمند کوبا را

به خلق قهرمان کوبا و رفیق فیدل کاسترو

تبریک می گوئیم



اول ژانویه مطابق با ۱۰ دیماه، سالروز انقلاب پیروزمند خلق کوبا است. بیست سال پیش در اول ژانویه ۱۹۵۹ حکومت دیکتاتوری باتیستا، این رژیم دست نشانده امپریالیسم آمریکا، به دست انقلابیون کوبا سرنگون شد. دو سال بعد در ۱۹۶۱ دولت کوبا به رهبری "فیدل کاسترو" برقراری حکومت سوسیالیستی را در کوبا اعلام کرد.

خلفهای ایران در همان زمان سرنگونی باتیستا و برقراری حکومت انقلابی کوبا را پیروزی بزرگی برای جنبش رهایی بخش ملی در جهان دانسته و همیشه از تجربه انقلاب کوبا بعنوان پشتوانه مبارزات آزادیبخش علیه ارتجاع و امپریالیسم، درسهای گرانبهای گرفته اند.

خلفهای ایران در تمام سالهای خفقان و دیکتاتوری که توسط شاه حائن، عامل امپریالیسم جهانی به آنان تحمیل شده بود، به پیروزی ها و دستاوردهای انقلاب مردم کوبا با تحسین و ستایش می نگریستند و پیروزی خلق کوبا را پیروزی خود می دانستند. اینک که با فداکاری ها و جانپزایی های بی دریغ خلق قهرمان ما، رژیم شاه سرنگون شده، خلفهای ما در شرایط ویژه ای در شادی مردم کوبا، در گرامی داشت پیروزی انقلاب خود شریک هستند. خلق قهرمان کوبا و رفیق "فیدل کاسترو" سالگرد انقلاب، مبارزات آزادیبخش کوبا و رفیق "فیدل کاسترو" تبریک می گوید و خود را در شادی آنها شریک می داند.

ما بررسی پروسه انقلاب کوبا و دستاوردهای داخلی و خارجی آن را به شماره آینده "کار" موکول می کنیم.

بدعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن

زحمتکشان ترکمن، بلوچ و زابلی،

در راهپیمائی های خود همبستگی خلقها را در مبارزات ضد امپریالیستی به نمایش گذاشتند



گنبد - دهها هزار نفر از زحمتکشان شهر، روستاهای ترکمن صحرا در راهپیمائی روز یکشنبه ۱۶ دی ماه که به بدعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا علیه عناصر وابسته به امپریالیسم، زمین داران و غاصبین برای ادامه افشاکاری عناصر وابسته به آمریکا برگزار شده بود، شرکت کردند. راهپیمایان با شور و شوقی انقلابی فریاد برمی آوردند: "زمین داران خونخوار، این دشمن ستکار نابود باید گردد." "اسناد جاسوخانه در پیشگاه ملت افشا باید گردد." راهپیمایان که بعضی از آنان از شب قبل از روستاهای دور به شهر آمده بودند، از صبح زود با اشتیاق در مقابل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن، صحرا اجتماع کردند.

در راس ساعت ۱۰/۵ صبح زحمتکشان که در صفوف منظم، متشکل شده بودند، در حالیکه پلاکاردهائی در دست داشتند، به حرکت درآمدند. بر روی این پلاکاردها چنین نوشته شده بود: "ما خواهان افشاء عناصر وابسته به امپریالیسم هستیم." "افشای امریکائی باید ادامه یابد." زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند." "دست غاصبین و زمین داران بزرگ از زندگی زحمتکشان کوتاه باید گردد." "طرح خودگردانی هیئت ویژه دولت، توطئه ای است علیه خلقهای تحت ستم." "خودمختاری شورائی در ترکمن صحرا خواست زحمتکشان ترکمن

صحراست. یکی از نکات برجسته این راهپیمائی عظیم که تا کنون در ترکمن صحرا سابقه نداشته است، شرکت گسترده زحمتکشان زابلی و بلوچ بود که با صفوف منظم و لباسهای محلی برای به نمایش گذاشتن همبستگی خلقهای مبارزات ضد امپریالیستی در این راهپیمائی شرکت کرده بودند. در طول مسیر راهپیمائی در چند نقطه بیانیه های در جهت افشای سرمایه داران لیبرال این دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکائی خوانده شد و نیز بیانیه افشاکرانهای در باره سیاست ارتجاعی و سازشکارانه حزب توده قرائت شد. در این راهپیمائی که ۲/۵ ساعت به طول انجامید، راهپیمایان که از بقیه در صفحه ۹

حجت الاسلام موسوی رئیس دادگاه انقلاب تبریز

با انقلابیون کمونیست دشمن است

نه با امپریالیسم

در صفحه ۱۱

همه با هم دشمنان خلق را افشا کنیم

همه با هم در بزرگداشت

قیام شکوهمند بهمن بکشیم

مردم مبارز و آگاه ایران!

۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در امر مهم افشای و معرفی دشمنان خلق به یاری بی دریغ شما متکی است. لذا در این موقعیت که افشاء و معرفی دشمنان خلق برای پیشبرد مبارزه از اهمیت عظیم برخوردار است، از شما می خواهیم که هرگونه سند و مدرکی پیرامون خیانت سرمایه داران وابسته و دوسان و جاسوسان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در دست دارید، در اسرع وقت برای ما بفرستید.

۲- از آنجاکه بزرگداشت قیام شکوهمند خلقهای قهرمان میهن ما در رشد و اعتلای آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان از اهمیت فراوانی برخوردار است، و از آنجاکه بزرگداشت و پاسداری از سنت های انقلابی مردم میهن ما، وظیفه ای است انقلابی که همه ما باید آن را بدرستی به انجام رسانیم. از شما می خواهیم که همه ما مطلب، سند، عکس، جمع بندی تجارب و خاطراتی که در شناخت این واقعه تاریخی و بزرگداشت شکوهمند آن به ما یاری رساند در اختیار سازمان قرار دهید.

ما با چاپ خبری اول نام و کد انتخاب شده، توسط شما، از طریق نشریه "کار"، شمار را از رسیدن سند فرستاده شده مطلع می سازیم

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

در سال ۴۲، سال سرکوب خونین مردم توسط ارتش، تیمسار مدنی درباره رضاخان می گوید:

شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران نوین، در راه تجدید عظمت شاهنشاهی کهن با اراده استوار پیش تاخت و... اعلیحضرت شاهنشاه با توجه کاملی که بهمراه امور میهن دارند...

تیمسار در یادار مدنی که تا زکبیا دکتر سید احمد مدنی شده است. درباره ولینعت خود یعنی شاه خائن و پدرش رضاخان چنین می گوید:

"شاهنشاه فقید در حالی زمام امور کشور از هم پاشیده و پریشان ایران را بدست گرفت که در خلیج فارس جزایمی از ایران نمانده بود و نه تنها بیشتر شیوخ خلیج فارس سرسپرده خارجی گردیده و سیاست مزبور آنها را اداره می کرد، بلکه اغلب سواحل و جزایر ایران تحت نظارت و استیلاي چنین سیاستی قرار گرفته بود."

"ناگهان افق سیاسی ایران درخشندگی خاصی پیدا کرد و دگر بار شاهنشاهی نیرومند همانند باسانیان و بر همان مدار و مرکزیت زمام امور میهن را به دست گرفت و گام هائی بلند در بزرگداشت ایران برداشت."

تیمسار در یادار مدنی در جریان مبارزات مردم قهرمان میهن ما علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه پیوسته در منزل درخشش که با مرکز جاسوسی آمریکا در ارتباط مستقیم بود حضور می یافت و با درخشش و سایر دوستان و جاسوسان آمریکایی به چاره جویی می نشست.

او که عضو جنبه ملی است در کابینه بازرگان به وزارت دفاع و سپس به استانداری خوزستان و فرماندهی نیروی دریایی رسید. مدنی در مقام فرماندهی نیروی دریایی و هنگامی که سردار خوزستان به ویژه خلق عرب راکتشار می کرد درباره بختیار جنایتکار چنین گفت:

"بختیار مودی شریف، صادق و لایق بود."
(آیندگان شنبه ششم مرداد) البته یک عضو صادق جنبه ملی باید هم در کمال وفات دربار شاه نوکر بی اختیار امپریالیسم آمریکا چنین اظهار نظر کند.

مدنی در کمال افتخار این سخن شاه را تکرار می کند:
"ما از موضع قدرت سخن می گوئیم و هر عمل خلافی را سرکوب خواهیم کرد."
(روزنامه های یکشنبه هفتم مهرماه) او در مصاحبه خود با روزنامه آیندگان نشان داد که مایل است مثل شاه برای سرکوب خلق عمان و سایر خلق های مبارزی که علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم نبرد می کنند نیروگسیل دارد. او در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسیده بود آیا ایران به سرده شیخ نشینان خلیج فارس که مورد تهدید کمونیست ها هستند کمک خواهد کرد چنین می گوید:

"... اگر مردمی که نمی توانند از خود دفاع کنند ما طلب کمک نمی کنیم، این وظیفه ماست که به آنها کمک کنیم."

(آیندگان چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت) البته مردم ایران به خوبی می دانند که شاه نیز وقتی می خواست دخالت های نظامی خود را در منطقه که مشخصا برای حفظ منافع امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم صورت می گرفت توجیه کند، همین حرف ها را می برد.

بقیه در صفحه ۳ ضمیمه

این سخنان را تیمسار در یادار سید احمد مدنی در سال ۱۳۴۲ سال ۱۵ خرداد خونین، سال سرکوب خلق زحمتکش ایران توسط ارتش شاه اظهار داشته است.

سخنان تیمسار در یادار سید احمد مدنی در کتابی تحت عنوان خلیج فارس که توسط اداره کسل انتشارات و رادیو شاهنشاهی منتشر شده به چاپ رسیده است. در مقدمه این کتاب آمده است:

"قیام سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی که به پایمردی سرداری فدائکار انجام گرفت (مقصود کودتای ننگین رضا خان است) به آن روزگار تباهی و ساهی خاتمه داد و کشور را از آشفتنگی و سردم را از پریشانی نجات بخشید و اجزای پراکنده و کسبختی میهن ما را یکپارچه به هم پیوست و جنبش و کوشش جانشین خموشی و دل مردگی شد. (در یادار مدنی و سایر سران ارتش هم اینک نیز سودای حکومت نظامیان را در سر می پروراندند و هر یک می خواهند رضاخان جدیدی باشند) در عصر رضا شاه کبیر بنیان گذار ایران نوین برای شناساندن اجزای کشور کوشش هایی به عمل آمد اکنون خداوند را سپاس می گذاریم که به عنایت شاهنشاه بزرگ و دانش پرور ما آن آثار شوم از چهره ایران عزیز به کلی زدوده شده است و کشور ما در پرتو یک انقلاب بزرگ اجتماعی و اقتصادی به شاهره روشنی افتاده است که پایان آن باز یافتن بزرگواری گذشته و سایش حال و سرفرازی آینده است."

برای رسیدن به هدف های بزرگ انقلاب شاه و مردم از جمله شناختن اجزای گوناگون کشور چه از جهت تاریخی و چه از جهت دیگر وزارت اطلاعات سرفراز است و با تشکیل سمینار خلیج فارس می توانسته است بزرگترین شاهراه دریایی ایران را چنانکه شایسته است بشناساند.

در چنین زمانی شاهنشاه ارادامی بس استوار این اندیشه را از قوه به فعل در آورد. او اضافه می کند:

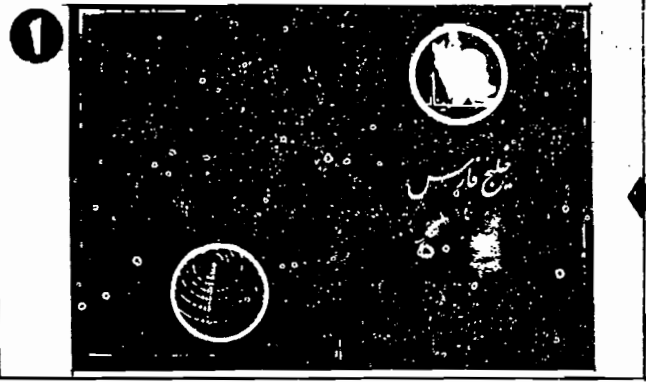
"همینکه بی می برند شاهنشاه با عزم و ارادامی راسخ و خلل ناپذیر می خواهد بحریه ایران را احیاء و زندگی نوینی بخشد و از بهر رفتن منافع بیکران ملت ایران در خلیج فارس پیشگیری نماید، جنجال ها با می کنند و بار دیگر کارشکنی ها آغاز می گردد. . . ولی این مخالفت ها و کارشکنی ها کوچکترین خللی در برنامه شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران پیش نیاورد و همچنان با اراده استوار در راه تجدید عظمت شاهنشاهی کهن و سازمان بندی ایران نوین و به سوی سر بلندی آن به پیش تاخت."

همچنین بنییم تیمسار مدنی در مورد خود شاه و نیم قرن حکومت ننگین او چه می گوید:

در یادار مدنی در همان سخنرانی درباره شاه جنایتکار می گوید:

"اعلیحضرت شاهنشاه با توجه کاملی که بهمراه امور میهن و پیشبرد آن دارند دوباره نیروی دریایی ایران را بنیان گذاری و امر به تاسیس داد و در به رئیس ستاد وقت (سال ۱۳۲۵) شادروان سپهبد

روم آرا ابلاغ فرمودند که نیروی دریایی ایران گشایش یابد. او در دفاع از رژیم شاهنشاهی و بزرگترین مجانم ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران چنین گفته است:



سخنرانی سرکارنا و سروان احمد مدنی

در یادار مدنی در خلیج فارس و پیشینه تاریخی آن

سرکارنا و سروان احمد مدنی از فرمانان جوان و دانشمند نیروی دریایی شاهنشاهی هستند که در باره خلیج فارس بزرگ تاریخ دریانوردی ایران در خلیج مطالعات مهمی دارند.

برداشت و آن دودمان سفویه است. در زمینه تاریخ خلیج از عصر سفوی تا زمان قاجارها چون دانشمندان برجسته نظیر جناب آقای دکتر بیانی و جناب آقای دکتر حریری آنچه میبایست گفته اند احتیاج به تمهیل ندارم و به همین مختصر اکتفا می نمایم.

بخش سوم

نیروی دریایی ایران از زمان شاهنشاه فقید تا کنون

شاهنشاه فقید در حالی زمام امور کشور از هم پاشیده و پریشان ایران را بدست گرفت که در خلیج فارس جزایمی از ایران نمانده و نه تنها بیشتر شیوخ خلیج فارس سرسپرده خارجی گردیده و سیاست مزبور آنها را اداره می کرد، بلکه اغلب سواحل و جزایر ایران مانند بسطید و هنگام نیز تحت نظارت و استیلاي چنین سیاستی قرار گرفته بود.

خلیج فارس

در چنین زمان شاهنشاه فقید باجیای نیروی دریایی ایران و تجدید نفوذ از دست رفته در خلیج فارس همت گمارد و از همان آغاز زمامداری با ارادامی بس استوار این اندیشه را از قوه به فعل در آورد و ملی باز سیاست خارجی رضایت نمیدهد و همینکه بی می بینند شاهنشاه با عزم و ارادامی راسخ و خلل ناپذیر می خواهد بحریه ایران را احیاء و زندگی نوینی بخشد و از بهر رفتن منافع بیکران ملت ایران در خلیج فارس پیشگیری نماید جنجال ها با می کنند و بار دیگر کارشکنی ها آغاز می گردند.

در آن زمان در روزنامه تایمز تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۳۲ مقالهای منتشر شد که این ناراضی در آن بنویس نمایان است و ما بنظر آگاهی بر مفاد آن ترجمه مقاله مزبور در زیر می نوشت کردیم. ولی این مخالفتها و کارشکنیها کوچکترین خللی در برنامه شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران پیش نیاورد و همچنان با ارادامی بس استوار در راه تجدید عظمت شاهنشاهی کهن و سازمان بندی ایران نوین و سوی سر بلندی آن پیش تاخت و از سال ۱۳۰۹ با ایجاد نیروی دریایی ایران با تشکیل ستاد جدید و پیش افتاده آغاز نمود. نخست تعدادی دانشجو و دانش آموز برای آموزش فنون دریانوردی و تهیه کادر افسری و درجه داری بدانشکده ها و آموزشگاه های دریایی کشور ایتالیا گسیل داشت و سفارش ساختن ناوهای جنگی را به مؤسسات ایتالیایی داد و سپس با ایجاد بندر و پایگاه های دریایی

چنین نیرویی را در خلیج فارس ویا در دریای مازندران تشکیل دادیم. اعلیحضرت شاهنشاه با توجه کاملی که بهمراه امور میهن و پیش برد آن دارند مسم شدند دوباره نیروی دریایی ایران را بنیان گذاری و امر به تاسیس نمودن و به رئیس ستاد وقت (سال ۱۳۲۵) شادروان سپهبد رزم آرا ابلاغ فرمودند که نیروی دریایی ایران گشایش یابد. از این تاریخ مجدداً پایه های نیروی دریایی ریخته شد و از سال ۱۳۲۸ پیمد دوباره دانشجویان و دانش آموزان رسته دریایی برای آموزش بسوی دانشکده های دریایی کشورهای فرانسه - ایتالیا - انگلیس برای طی دوره های تخصصی و بسوی دانشکده های دریایی آمریکا رهسپار شدند. این جریان همچنان ادامه دارد و پیشرفت محسوس نموده و انتظار مهروود بحریه ایران خواه جنگی و خواه بازرگانی در آینده بمقامی که درخور کشوری همچون ایران است برسد.

نابود باد جنبه احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال

